

مطالعه اثر ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی بر اجتناب مالیاتی

سامان محمدی^{۱*}

محمد محمدی^۲

مظفر بهرامی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۷ تاریخ چاپ: ۱۴۰۱/۰۱/۰۷

چکیده

هدف: امروزه نقش نظام‌های مالیاتی در تأمین درآمدهای هر کشور از محل منابع مالیاتی بر کسی پوشیده نیست. با این حال، اغلب مدیران، مالیات را از عمده‌ترین عوامل خروج وجه نقد و تهدیدی برای تداوم فعالیت شرکت قلمداد می‌کنند و همواره درصدد یافتن راهی به منظور کاهش پرداخت مالیات می‌باشند. یکی از راه‌حل‌های مورد استفاده، فعالیت‌های اجتناب مالیاتی است. همچنین، با نگاهی به مراحل تمدن بشری مشخص می‌شود که نقش نیروی انسانی از نیروی کار ساده به سرمایه انسانی تکامل یافته است، چرا که پیشرفت تکنولوژی بدون تحولات نیروی کار، فاقد کارایی است. هدف اصلی در این پژوهش بررسی اثر ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها است. روش شناسی پژوهش: این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و از نظر زمانی جزو پژوهش‌های گذشته‌نگر است. به دلیل استفاده از داده‌های کمی از نوع پژوهش‌های کمی است. به دلیل اینکه از طریق تجزیه و تحلیل و استنباط از مشاهدات به یک نتیجه کلی می‌رسد، این پژوهش از نوع استقرایی است. از لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها، توصیفی-همبستگی محسوب می‌شود. با توجه به هدف پژوهش، سه فرضیه تدوین شد که از طریق سه مدل رگرسیون خطی چندگانه آزمون گردید. جهت آزمون فرضیه‌ها، نمونه‌های متشکل از ۱۶۵ شرکت از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در یک دوره ۷ ساله از سال ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۹ به روش حذفی سیستماتیک انتخاب شده است. یافته‌ها: نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان می‌دهد که ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی بر اجتناب مالیاتی تأثیر مثبت و معناداری دارد. همچنین، تأثیر مثبت و معنادار، کم سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی بر اجتناب مالیاتی نیز تأیید شده است. نتیجه‌گیری: می‌توان از نتایج پژوهش استنباط کرد که سرمایه‌گذاری بیش از اندازه در نیروی انسانی می‌تواند باعث افزایش هزینه‌های حقوق و دستمزد و کاهش جریان‌های نقدی عملیاتی شده و این انگیزه را برای مدیران ایجاد نماید که از طریق اقدامات اجتناب مالیاتی درصدد بهبود جریان نقدی عملیاتی و حفظ تداوم فعالیت شرکت برآیند. همچنین کم سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی نیز باعث کاهش بهره‌وری و سودآوری شرکت شده به گونه‌ای که شرکت‌ها نتوانند نیازهای فعلی خود را تأمین کنند (پرداخت دستمزد، بهره‌ها و مالیات‌ها) و انگیزه‌های برای مدیران شرکت جهت افزایش نقدینگی از طریق اجتناب مالیاتی باشد که می‌تواند منجر به افزایش ریسک مالیاتی شرکت شود.

واژگان کلیدی

ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی، بیش سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی، کم سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی، اجتناب مالیاتی.

۱. استادیار حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. (نویسنده مسئول: s.mohammadi@razi.ac.ir)

۲. استادیار حسابداری، دانشگاه غیر انتفاعی پرندک، تهران، ایران. (mkz.mohamadi@mau.ac.ir)

۳. کارشناسی ارشد حسابداری، ذیحساب اداره کل امور اقتصادی و دارایی، کرمانشاه، ایران. (mozafar1400@yahoo.com)

۱. مقدمه

امروزه نقش نظام‌های مالیاتی در تأمین درآمدهای هر کشور از محل منابع مالیاتی بر کسی پوشیده نیست. در باب اجتماعی، هدف اصلی وضع مالیات، کاهش فاصله طبقاتی و توزیع مجدد درآمدهاست. هدف اقتصادی از وضع مالیات‌ها، تثبیت نوسان‌های اقتصادی، تخصیص بهینه منابع بین بخش‌های مختلف و کمک به تسریع فرآیند توسعه بخشی یا منطق‌های می‌باشد و هدف بودجه‌ای دولت‌ها از وضع مالیات‌ها نیز، تأمین مالی بودجه دولت می‌باشد؛ بنابراین مالیات و پرداخت آن در پیشبرد اهداف اجتماعی، اقتصادی و بودجه‌ای تأثیر بسزایی دارند. با این حال، اغلب مدیران، مالیات را از عمده‌ترین عوامل خروج وجه نقد و تهدیدی برای تداوم فعالیت شرکت قلمداد می‌کنند؛ چرا که به دولت به عنوان شریکی می‌نگرند که سهمی در شرکت ندارد. از این رو، همواره در صدد یافتن راهی به منظور کاهش پرداخت مالیات می‌باشند. امروزه یکی از راه‌حل‌های مورد استفاده، فعالیت‌های اجتناب مالیاتی است (صفری گرایلی و پودینه، ۱۳۹۵). اجتناب از مالیات به طور متداول به ابزارهای صرفه‌جویی مالیات مربوط می‌شود که منابع را از دولت به سهامداران انتقال می‌دهد و در نتیجه ارزش بعد از مالیات شرکت افزایش می‌یابد. تاکنون هیچ‌گونه تعریف جامع و قابل قبولی از اجتناب مالیاتی در ادبیات حسابداری صورت نگرفته است. با این وجود می‌توان بیان داشت که اجتناب مالیاتی بیانگر یک استراتژی مستمر و پایدار در زمینه برنامه‌ریزی مالی استراتژیک است و در برگیرنده فعالیت‌های کاملاً قانونی است. از آن جمله می‌توان به استفاده از روش‌های حسابداری که صرفه‌جویی مالیاتی بیشتری ایجاد می‌کنند و یا هدایت کردن منابع واحد تجاری در جهت فعالیت‌های معاف از مالیات مانند سرمایه‌گذاری در اوراق مشارکت و صادرات غیر نفتی یا محصولات بخش کشاورزی و... اشاره نمود. در دهه اخیر با توجه به روند رو به رشد اجتناب از پرداخت مالیات و همچنین توجه بسیاری از پژوهشگران به تأثیر آن بر عملکرد و ارزش شرکت، بررسی و مطالعه و عوامل موثر بر آن شایان توجه است (علمی و محمدزاده سالطه، ۱۳۹۹).

از طرفی، یک سازمان چنانچه بخواهد به کیفیت مطلوب برسد، فعالیت‌هایش را بهبود ببخشد، هزینه‌های خود را کاهش دهد و خلاقیت و نوآوری داشته باشد، باید به سرمایه‌گذاری‌های مناسب، توجه ویژه داشته باشد. سرمایه‌گذاران همواره نگران منافع خود در شرکت‌ها هستند آنان بر تصمیم‌گیری مدیران شرکت‌ها نظارت می‌کنند تا از بازدهی مناسب سرمایه‌گذاری‌های شرکت که منافع آنان را نیز در پی دارد، اطمینان حاصل کنند. سرمایه‌گذاری‌های شرکت شامل سرمایه‌گذاری در مخارج سرمایه‌ای و سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی (به عنوان دو عامل اصلی تولید) می‌باشد. کارایی سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی به معنای به کارگیری تعداد بهینه‌ای از نیروی کار است. امروزه کارایی سرمایه‌گذاری نیروی کار یکی از رکن‌های مهم هر موسسه یا سازمان می‌باشد و کشورهای توسعه یافته به اهمیت نیروی کار به عنوان یکی از ضرورت‌های توسعه اقتصادی تأکید دارند (حجازی و همکاران، ۱۳۹۷). بطور کلی آن چیزی که کارایی و بهره‌وری، سازندگی، بهبود و حیات یک سازمان را تضمین می‌کند، کارایی سرمایه‌های انسانی آن سازمان است (افلاطونی و خزایی، ۱۳۹۵). دمرجیان و همکاران^۱ (۲۰۱۲) به بررسی تأثیر توانایی کلی مدیر شرکت در تبدیل منابع (نیروی کار، سرمایه و دارایی‌های نامشهود) به درآمد از طریق یک مرز کارآمد، می‌پردازند و ترکیب‌های مختلف ورودی را به سطوح خروجی پیوند می‌دهند. با این حال، در این پژوهش به‌طور خاص به سطح کارایی شرکت در اشتغال نیروی کار تمرکز می‌شود که توسط محیط اقتصادی کلی پیش‌بینی شده است. تمایز بین نیروی انسانی و سایر ورودی‌ها توجیه می‌شود زیرا ورودی‌های سرمایه معمولاً در کوتاه‌مدت عملیات یک شرکت ثابت هستند و کمتر احتمال دارد که در سطوح فعلی فرار

¹ Demerjian

مالیاتی آن تأثیر بگذارند. بعلاوه، کارهایی که عموماً پذیرفته شده‌اند، حدود دوسوم ارزش اقتصادی افزوده توسط یک شرکت را شامل می‌شوند، معمولاً از درآمدهای جاری پرداخت می‌شود و بنابراین نیروی انسانی را بیشتر می‌کند و نزدیک با اجتناب مالیاتی نسبت به سرمایه که در خارج از کشور در طولانی مدت تأمین می‌شود، هماهنگ است. سرانجام، تخصص لازم برای به حداکثر رساندن درآمد و به کارگیری منابع شرکت به‌طور مؤثر نیز می‌تواند از کارایی یک مدیر در استخدام و اخراج نیروی کار متمایز شود. در نتیجه، با توجه به اهمیت موضوع، هدف این پژوهش بررسی تأثیر ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی بر اجتناب مالیاتی است.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲.۱. اجتناب مالیاتی

اجتناب مالیاتی به عنوان بکارگیری سیاست‌های کاهنده پرداخت مالیات بر درآمد شرکت‌ها تعریف می‌شود. سیاست‌های مالیاتی که اجتناب بیشتری از مالیات را به همراه دارند و از این رو، منجر به نرخ موثر مالیات پایین‌تر می‌شوند، می‌توانند ریسک شرکت را افزایش دهند؛ چرا که فعالیت‌های کاهنده مالیات ذاتاً ریسکی بوده و همواره توجه ممیزان مالیاتی را به خود جلب می‌کند. این موضوع زمانی که کاهش نرخ موثر مالیاتی نسبت به سال‌های قبل بیشتر باشد، نیز شدت می‌یابد. بر این اساس، توانایی اجتناب از پرداخت مالیات به دلیل ریسک ذاتی که به همراه دارند، بر ریسک کلی شرکت موثر است. اگر چه بر اساس این دیدگاه، شرکت‌های پرداخت کننده مالیات کمتر، در یک فعالیت پر ریسک درگیر می‌شوند، اما قانون مالیات‌های مستقیم در بردارنده موادی است که رفتار مطلوب مالیاتی را برای بسیاری از معاملات فراهم می‌نماید. در بسیاری از این موارد، قانون، به طور شفاف اشعار می‌دارد که شرکت‌ها می‌توانند پرداخت مالیات جاری خود را بدون افزایش ریسک پرداخت مالیات بیشتر یا جرایم درآینده کاهش دهند. فروش صادراتی، فعالیت‌های کشاورزی و بسیاری از این قبیل موارد، تن‌ها چند نمونه از اجتناب مالیاتی بدون ریسک هستند. نرخ موثر مالیات معیار مناسب اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی در نظر گرفته شده است (اعتمادی و همکاران، ۱۳۹۶). مالیات متعلقه به سود شرکت‌ها، هزینه قابل توجهی را به شرکت و سهامداران تحمیل می‌کند. تحت قوانین موجود مالیاتی شرکت‌های تجاری بخش قابل توجهی از سود حاصله خود را باید به دولت پرداخت کنند که این موضوع باعث کاهش بازده مالکان می‌شود و این امر رغبت سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد. مدیریت برای کاهش انتقال منابع مالکان به دولت و تعدیل هزینه مالیات، اقدام به اجرای برنامه‌های اجتناب مالیاتی می‌کنند. این امر منجر به افزایش ثروت و بازده مالکان خواهد شد (دسای و دارماپالا، ۲۰۰۹). اجتناب مالیاتی به عنوان راهکار کاهش میزان مالیات تعلق گرفته به سود حاصل از عملکرد واحدهای تجاری تعریف می‌شود، اجتناب مالیاتی شامل زنجیرهای از فعالیت‌ها و برنامه‌های استراتژیک کاملاً قانونی و پیش رونده در اخذ معافیت مالیاتی است که منجر به وجود آمدن فضای خاکستری در ارائه اطلاعات و گزارش‌های مالی و مالیاتی به افراد برون سازمانی می‌شود (هانلون و هیتزمان، ۲۰۱۰).

۲.۲. انگیزه‌های اجتناب مالیاتی

بحث اجتناب مالیاتی بیشتر در مورد شرکت‌هایی که موضوع جدایی مالکیت از کنترل در آن مطرح است عنوان می‌شود، زیرا افراد حقیقی به خاطر وجود احتمال کشف و جریمه شدن و ریسک‌گریزی و یا انگیزه‌های درونی مثل وظیفه اجتماعی،

¹ Desai & Dharmapala

² Hanlon & Heitzman

کمتر درگیر فرار و اجتناب مالیاتی می‌شوند؛ ولی در شرکت‌ها به طور معمول، سهامداران انتظار دارند که مدیران به دنبال منافع شخصی خود باشند و تا مادامی که منافع اضافی حاصل از کاهش بدهی‌های احتمالی بیشتر از هزینه‌های اضافی مورد انتظار برای آن‌ها باشد، به دنبال کاهش بدهی‌های مالیاتی و افزایش اجتناب مالیاتی هستند؛ بنابراین، اجتناب مالیاتی می‌تواند انعکاسی از نظریه نمایندگی باشد و ممکن است منجر به تصمیم‌های مالیاتی شود که منافع شخصی مدیر را دنبال کند. از این رو، یکی از چالش‌های پیش روی سهامداران و هیأت مدیره، یافتن روش‌ها و انگیزه‌های کنترلی است تا هزینه‌های نمایندگی را به حداقل برسانند (جنسن و مک‌لینگ^۱، ۱۹۷۶). دسای و همکاران (۲۰۰۷) معتقدند مدیرانی که به دنبال منافع شخصی خود هستند ساختار شرکت را پیچیده‌تر کرده و معاملاتی را که باعث کاهش مالیات می‌شود، انجام می‌دهند و از این طریق منابع شرکت را در جهت منافع شخصی خود به کار می‌گیرند. آن‌ها معتقدند که وجود مأموران مالیاتی قوی باعث افزایش نظارت بر کار مدیران و کاهش سوء استفاده از منابع داخلی شرکت‌ها می‌شود. نکته دیگری که توسط دسای و همکاران (۲۰۰۷) مطرح شد این است که نحوه حاکمیت و رهبری شرکت‌ها بر روی سطح اجتناب مالیاتی شرکت‌ها تأثیرگذار است. آن‌ها معتقدند اجتناب مالیاتی در شرکت‌هایی که دارای نظام حاکمیتی قوی هستند، باعث افزایش ارزش شرکت می‌شود. همچنین آن‌ها به این نتیجه رسیدند که با توجه به وجود مسأله رابطه نمایندگی بین مدیر و سهامداران، این دیدگاه که اجتناب مالیاتی باعث افزایش انتقال منافع از دولت به سهامداران می‌شود، نمی‌تواند به طور کامل صحیح باشد. حاکمیت شرکتی ضعیف باعث افزایش در سطح اجتناب مالیاتی می‌شود. سهامداران با ریسک خنثی انتظار دارند که مدیران به نمایندگی از آن‌ها روی حداکثرسازی تمرکز کنند که شامل فرصت‌هایی برای کاهش بدهی مالیاتی می‌شود، به گونه‌ای که منافع اضافی آن بیشتر از مخارج اضافی آن باشد؛ بنابراین، اجتناب مالیاتی انعکاسی از مسئله نمایندگی است. به هر حال جدایی مالکیت از کنترل می‌تواند به تصمیم‌های مالیاتی شرکت منجر شود که منافع شخصی مدیران را منعکس می‌کند. از این رو، چالش سهامداران و هیأت مدیره، یافتن ترکیبی از ساز و کارها و انگیزه‌هایی برای کاهش هزینه‌های نمایندگی است (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶). اکثر پژوهش‌های گذشته، تصمیم‌های گزارشگری مالیاتی را بدون توجه به مسئله نمایندگی در نظر گرفتند. جدایی مالکیت از کنترل دلالت بر این دارد که اگر اجتناب مالیاتی یک فعالیت ارزشمند است پس مالکان باید انگیزه‌های مناسبی برای اطمینان از تصمیم‌های مالیاتی کارای مدیران ایجاد نمایند. مالیات کارا یعنی تصمیم‌های و معاملاتی که منافع مالیاتی آن بیشتر از هزینه آن باشد (هانلن و هیتزمن، ۲۰۱۰). آلس‌تاستر^۲ و همکاران (۲۰۲۲) معتقدند از آنجایی که در برآورد هزینه مالیات، اقلام اختیاری مثل ارزشیابی ذخایر و سودهای تقسیم نشده تأثیرگذارند و همچنین به دلیل وجود عواملی مثل معافیت‌های مالیاتی، مشوق‌های مالیاتی مربوط به صادرات، برآورد ارزش سرقفلی و نحوه استهلاك آن و وجود قوانین متعدد مالیاتی و پیچیدگی‌های مربوطه، استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی را در تفسیر هزینه مالیات دچار مشکل می‌کند. مدیران، زمانی روش‌های انتخاب شده برای اهداف مالیاتی را برای گزارشگری مالی و بالعکس، بکار می‌برند که منافع این کار، بیشتر از هزینه‌های آن باشد. از جمله منافع این کار، اجتناب از رسیدگی‌های اضافی و جرایم احتمالی از طرف سازمان مالیاتی خواهد بود. این همخوانی رویه‌ها ممکن است هزینه‌های غیرمالیاتی نیز در برداشته باشد، به عنوان نمونه، بکارگیری روش اولین صادره از اولین وارده برای موجودی‌ها ممکن است منجر به کمتر نشان دادن سود و در نتیجه، مالیات مورد نظر شود که مزیت یا منافع این امر، نگهداری وجه نقد بیشتر برای

¹ Jensen & Meckling

² Alstadsæter

شرکت خواهد شد؛ اما در مقابل، سود کمتر از دیدگاه اعتباردهندگان شرکت ممکن است هزینه سرمایه بالاتری را برای شرکت به دنبال داشته باشد. نتیجه بکارگیری و مد نظر قرار دادن منافع و هزینه‌های مذکور از طرف مدیریت، منجر به تفاوت بین سود قبل از مالیات گزارش شده در صورت سود و زیان و سود مشمول مالیات (تفاوت مالیات دفتری) خواهد شد؛ بنابراین، نحوه برآورد سود مشمول مالیات یا به عبارت دقیق‌تر، تفاوت دفتری مالیات و پرداخت‌های مالیاتی از جمله عوامل بسیار مهمی هستند که می‌توان از طریق آن اجتناب مالیاتی را اندازه‌گیری نمود؛ اما از آنجایی که اظهارنامه‌های مالیاتی، به‌طور عمده، در دسترس نیستند و لیکن چون نتیجه محاسباتی آن‌ها، از جمله هزینه مالیات، بدهی مالیاتی، در صورت‌های مالی ارائه می‌شوند، بنابراین، صورت‌های مالی از جمله بهترین منبع برای دستیابی به معیارهای اجتناب مالیاتی خواهند بود. استخراج اطلاعات در مورد مالیات از صورت‌های مالی نیز دشوار است، زیرا در صورت‌های مالی به اندازه کافی در مورد سود مشمول مالیات و یا پرداخت‌های نقدی مالیات اطلاعات افشا نمی‌شود (دایرنگ^۱ و هانلون، ۲۰۱۰). با آشکار شدن رسوایی‌های مالی مدیران در شرکت‌هایی مانند انرون و ورلد کام، مشخص شد که پتانسیل سوء استفاده و اتلاف منابع مالکان در شرکت‌هایی که از فعالیت‌های مبهم و غیرشفاف اجتناب مالیاتی استفاده می‌کنند، بالا است. به خاطر این که مدیریت به بهانه‌ی آشکار نشدن سود واقعی شرکت، رفتارهای منفعت طلبانه‌ی خود را پنهان می‌کند. پژوهش‌های انجام شده نیز نشان می‌دهد تعداد بسیار اندکی از مالکان به فعالیت‌های اجتناب مالیاتی با ابهام زیاد واکنش مثبت نشان می‌دهند. با این وجود، مدارک و مستندات هم وجود دارد نشان می‌دهد سرمایه‌گذاران به برنامه‌های اجتناب مالیاتی که منجر به افزایش ارزش واحد تجاری می‌شود، اهمیت زیادی قائل هستند (چیارینی و همکاران^۲، ۲۰۲۲).

۳.۲. کارایی سرمایه‌گذاری

با توجه به تحولاتی که در جهان امروز رخ داده است، خصوصاً در کشورهای در حال توسعه که با تهدیدات عدیده‌های روبه‌رو می‌باشند، این کشورها، جهت حل مشکلات اقتصادی خود نیازمند راهکارهای مناسب جهت استفاده بهتر از امکانات و ثروت‌های خدادادی خود می‌باشند. در این مورد، یکی از راهکارهای مهم، بسط و توسعه سرمایه‌گذاری است. با توجه به محدودیت منابع، علاوه بر مسئله توسعه سرمایه‌گذاری، افزایش کارایی سرمایه‌گذاری از جمله مسائل بسیار مهم می‌باشد. کارایی سرمایه‌گذاری، مستلزم آن است که از یک سو، از مصرف منابع در فعالیت‌هایی که سرمایه‌گذاری در آن بیشتر از حد مطلوب انجام شده است، ممانعت شود (جلوگیری از بیش سرمایه‌گذاری) و از دیگر سو، منابع به سمت فعالیت‌هایی که نیاز بیشتری به سرمایه‌گذاری دارد، هدایت شود (جلوگیری از کم سرمایه‌گذاری) (مدرس و حصارزاده، ۱۳۸۷). به طور مفهومی، کارایی سرمایه‌گذاری زمانی حاصل می‌شود که شرکت، فقط در تمامی طرح‌هایی با ارزش فعلی خالص مثبت سرمایه‌گذاری کند. البته این سناریو در صورتی کارساز است که بازار کامل باشد و هیچ یک از مسائل بازار ناقص از جمله گزینش نادرست و هزینه‌های نمایندگی وجود نداشته باشد (وردی^۳، ۲۰۰۶ و بیدل و همکاران^۴، ۲۰۰۹). افزون بر این، کارایی سرمایه‌گذاری و یا سرمایه‌گذاری در حد بهینه، مستلزم آن است که از یک سو، از مصرف منابع در فعالیت‌هایی که سرمایه‌گذاری در آن بیش از حد مطلوب انجام شده است، جلوگیری شود و از سوی دیگر، منابع به سمت فعالیت‌هایی که نیاز بیشتری به سرمایه‌گذاری دارد، هدایت شود (مدرس و حصارزاده، ۱۳۸۷).

¹ Dyreng

² Chiarini

³ Verdi & Rodrigo

⁴ Biddle

جایگاه ارزشمند اطلاعات در توسعه اقتصادی و سرمایه‌گذاری مورد اتفاق صاحب نظران علوم اقتصادی است. گزارش‌های مالی یکی از منابع اطلاعاتی در دسترس بازارهای سرمایه است که انتظار بر آن است که نقش موثری در توسعه سرمایه‌گذاری و افزایش کارایی آن ایفا نماید. در این باره اساتید، پژوهشگران و اهل حرفه حسابداری به دنبال افزایش کیفیت گزارشگری مالی به عنوان ابزاری برای ادای مسئولیت پاسخگویی به نیازهای جامعه بوده‌اند. به عنوان مثال، بنابر مفاهیم نظری گزارشگری مالی، هدف صورت‌های مالی عبارت از ارائه اطلاعاتی تلخیص و طبقه‌بندی شده درباره وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف‌پذیری مالی واحد تجاری است که برای طیف گسترده‌ای از استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی در اتخاذ تصمیم‌های اقتصادی مفید واقع شود. همانطور که بیان شد، دست‌یابی به این هدف، مستلزم آن است که اطلاعات مزبور در درجه نخست مربوط و قابل اتکا بوده و در درجه دوم قابل فهم و قابل مقایسه باشد. یکی از اهداف گزارشگری مالی این است که به تخصیص کارایی سرمایه در اقتصاد کمک کند. جنبه مهم این نقش، بهبود تصمیم‌های سرمایه‌گذاری شرکت‌ها می‌باشد؛ به ویژه نظریه‌ها، بیانگر این است که بهبود شفافیت مالی به طور بالقوه مشکلات بیش و کم سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد (سلیمانی امیری و فرشی، ۱۳۹۱).

اغلب پژوهش‌های انجام شده، نشان می‌دهد که انتخاب بد یک پروژه، شرکت را به سوی سرمایه‌گذاری بیشتر از حد سوق می‌دهد. پژوهش‌های اندک نشان می‌دهد که شرکت ممکن است، سرمایه‌گذاری کمتر از حد انجام دهد. در دهه ۱۹۷۰ میلادی سه دانشمند به نام‌های مایکل اسپنس، جرج اکرلوف و جوزف استیلیتز (برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۲۰۰۱) در زمینه اقتصاد اطلاعات، نظریه‌ای را پایه‌گذاری کردند که به نظریه عدم تقارن اطلاعاتی موسوم شد. اکرلوف نشان داد که عدم تقارن اطلاعاتی می‌تواند موجب افزایش انتخاب ناسازگار در بازارها شود که این امر قبل از وقوع معامله برای افراد به وجود می‌آید. اسپنس خاطر نشان می‌کند که واسطه‌های مطلع می‌توانند با انتقال اطلاعات محرمانه خود به واسطه‌های کم اطلاع، درآمد بازار خود را بیشتر کنند. اکرلوف نوعی بازار را به تصویر می‌کشد که در آن فروشنده نسبت به خریدار اطلاعات بیشتری را در اختیار دارد. البته حسابداران برای کاهش شکل انتخاب ناسازگار، سیاست افشای کامل را پذیرفت‌ه‌اند تا میزان اطلاعات در اختیار عموم افزایش یابد. (قائمی و وطن پرست، ۱۳۸۴).

۲. ۴. کم و بیش سرمایه‌گذاری

تجزیه و تحلیل سرمایه‌گذاری و آشنایی با نظریه‌های سرمایه‌گذاری می‌تواند تا آن جایی که ممکن است باعث بهبود مدیریت و افزایش ثروت سرمایه‌گذاران شده و تصمیم‌گیری آگاهانه را محقق سازد. تصمیم پیرامون سرمایه‌گذاری با سه مسئله مهم انتظارات، وقفه‌ها و ریسک روبرو است که پرداختن همزمان به آن‌ها برای اقتصاددانان به سادگی مقدور نیست؛ زیرا با توجه به این مسائل، عوامل بسیاری بر سطح سرمایه‌گذاری یک شرکت تاثیرگذار است. مدیران شرکت‌ها، با شناخت عوامل موثر بر سرمایه‌گذاری و با به کارگیری آن‌ها در رسیدن به سطح سرمایه‌گذاری بهینه، می‌توانند نهایت بازدهی را ایجاد کنند (وردی، ۲۰۰۶). بازارهای ناکارا دارای نواقصی هستند که می‌تواند سطح سرمایه‌گذاری بهینه شرکت را تحت تاثیر قرار داده و در نهایت، به فرآیند "بیش سرمایه‌گذاری" و یا "کم سرمایه‌گذاری" منتهی شود. فرضیه بیش و کم سرمایه‌گذاری بیان می‌کند شرکت‌هایی که کمتر از سطح بهینه سرمایه‌گذاری کنند، از مشکل کم سرمایه‌گذاری و شرکت‌هایی که بیشتر از سطح بهینه سرمایه‌گذاری کنند، از مشکل بیش سرمایه‌گذاری آسیب می‌بینند؛

لذا شناخت عوامل مهم و تاثیرگذار بر سطح سرمایه‌گذاری‌ها، در ارزیابی، شناسایی و تعیین سطح بهینه سرمایه‌گذاری شرکت‌ها، بسیار حائز اهمیت است.

عدم تقارن اطلاعاتی، چندین تضاد بین ذینفعان اصلی ایجاد می‌کند که منتهی به فرآیند بیش یا کم سرمایه‌گذاری می‌شود. بر اساس فرضیه بیش و کم سرمایه‌گذاری، از یک سو وجود جریان نقد به سبب نبود تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سهامداران منجر به بیش سرمایه‌گذاری می‌شود و از سوی دیگر وجود محدودیت در تأمین مالی، به کم سرمایه‌گذاری منتهی می‌شود. جنسن با ترکیب نظریه نابرابری اطلاعات و نمایندگی، فرضیه جریان نقد آزاد را مطرح نمود که بر اساس آن وجوه باقیمانده، پس از تأمین مالی تمام پروژه‌های سرمایه‌گذاری دارای ارزش فعلی خالص مثبت، باعث به وجود آمدن تضاد منافع، میان مدیران و سهامداران می‌شود. بر مبنای فرضیه سرمایه‌گذاری بی‌فایده، یکی از هزینه‌های نمایندگی که به دنبال تفکیک مالکیت از مدیریت شرکت‌ها ایجاد می‌شود، تمایل مدیران به سرمایه‌گذاری بیش از حد می‌باشد که منجر به پذیرش پروژه‌هایی با ارزش فعلی خالص منفی می‌شود. بر مبنای پیشفرض‌های اصلی فرضیه جریان نقد آزاد؛ شرکت‌هایی که جریان نقد بالایی دارند، در امر سرمایه‌گذاری فعال‌تر هستند (عباسی و ابراهیم‌زاده رحیم‌لو، ۱۳۸۸). در تصمیم‌گیری‌های مربوط به انجام سرمایه‌گذاری‌ها، پیشبینی جریان نقدی یک شرکت مبنای مهمی در نمایان ساختن توانایی شرکت در سرمایه‌گذاری‌ها برای دوره‌های آینده می‌باشد. نرخ رشد درآمد نشان دهنده وضعیت جریان نقد یک شرکت است؛ اما درآمد شرکت لزوماً برابر با جریان نقدی موجود شرکت برای پرداخت سود و یا سرمایه‌گذاری نیست. نسبت کیوتوین یک شرکت، نشان‌دهنده فرصت‌های سرمایه‌گذاری آن شرکت است. نظریه سرمایه‌گذاری توین، به نسبت ارزش بازاری دارایی‌های مالی به هزینه‌های مالی شرکت و نسبت ارزش بازاری دارایی به هزینه جایگزینی دارایی‌های واقعی شرکت؛ مربوط می‌شود. شاخص کیوتوین به سرمایه‌گذار در شناسایی بازارهای جذاب کمک می‌کند و به مدیران نشان می‌دهد که آیا بهتر است ظرفیت شرکت از طریق افزایش سطح سرمایه‌گذاری توسعه یابد، یا بایستی دارایی‌های موجود در بازار را خریداری نمود؟ (عباسی و ابراهیم‌زاده رحیم‌لو، ۱۳۸۸). در شرایطی که برای یک شرکت، نسبت کیوتوین بالا باشد، این شرکت به حجم سرمایه‌گذاری اضافه می‌نماید؛ زیرا این شرکت‌ها، سودآوری خود را در شرایطی که هزینه واقعی سرمایه کمتر از هزینه مالی آن باشد افزایش می‌دهند. مدیرانی که جایگاهشان تثبیت می‌شود، تمایل زیادی به سرمایه‌گذاری جریان نقدی آزاد، با هدف افزایش اندازه شرکت دارند؛ حتی اگر این پروژه‌ها بازده منفی داشته باشند. سهامداران تمایل دارند سود تقسیمی افزایش یابد تا جریانات نقد در دسترس مدیران کاهش یابد؛ زیرا آن‌ها معتقدند که تقسیم سود از عملیات تجاری غیرضروری مدیران جلوگیری می‌کند. آغاز پرداخت سود سهام و یا افزایش سود سهام توسط یک شرکت، می‌تواند پیام‌های متفاوتی از دید سهامداران مختلف داشته باشد. سرمایه‌گذاران افزایش سود تقسیمی را نشانه نبود فرصت‌های سرمایه‌گذاری و یا عدم استفاده شرکت از فرصت‌های سرمایه‌گذاری میدانند. اگر شرکت فرصت‌های سرمایه‌گذاری جذابی داشته باشد و برای تأمین مالی آن‌ها مجبور به عدم تقسیم سود شود در صورتی کاهش تقسیم سود پیام نامساعدی را به بازار برساند و در رفتار سرمایه‌گذاران تاثیر بگذارد ممکن است از پروژه‌های مزبور صرف‌نظر نماید. از نظر حسینی و میثمی (۱۳۹۸) فرصت‌های سرمایه‌گذاری نقش مهمی در تأمین مالی بدهی شرکت‌ها دارد. نتایج پژوهش او رابطه منفی بین سطح بدهی و فرصت‌های سرمایه‌گذاری را نشان داد. به طوری که در زمان فرصت‌های سرمایه‌گذاری بالا، سطح بدهی شرکت پایین است و زمانی که فرصت‌های سرمایه‌گذاری کم است، سطح بدهی

شرکت بالا است. به علاوه سررسید بدهی‌ها در دوره‌هایی که فرصت‌های سرمایه‌گذاری کم است در مقایسه با سررسید بدهی در دوره‌هایی که فرصت‌های سرمایه‌گذاری بالا است طولانی‌تر است. شرکت‌ها با فرصت‌های سرمایه‌گذاری بالا، تمایل بیشتری دارند که به جای بدهی‌های بلندمدت از بدهی‌های کوتاه‌مدت استفاده کنند. همچنین، شرکت‌های در حال رشد که نرخ هزینه سرمایه آن‌ها کمتر از نرخ بازده است دارای فرصت‌های سرمایه‌گذاری هستند. در این شرکت‌ها افزایش سود انباشته و تبدیل آن به سرمایه موجب افزایش قیمت سهام می‌شود.

۲.۵. کارایی و بهره‌وری نیروی انسانی

بهره‌وری عبارت است از به حداکثر رساندن استفاده از منابع، بهره‌وری ترکیبی از کارایی و اثربخشی است. به بیان ساده بهره‌وری عبارتست از انجام درست کارهای درست. نیروی انسانی و تمهیدات به طریق علمی به منظور کاهش هزینه‌ها و رضایت کارکنان، مدیران و مصرف‌کنندگان، بهره‌وری نیروی انسانی را حداکثر استفاده مناسب از نیروی انسانی به منظور حرکت در جهت اهداف سازمان با کمترین زمان و حداقل هزینه دانسته‌اند. بر اساس دیدگاه سازمان بهره‌وری ملی ایران، بهره‌وری یک نگرش عقلانی به کار و زندگی است. این مانند یک فرهنگ بوده که هدف آن هوشمندانه‌تر کردن فعالیت‌ها برای یک زندگی بهتر و متعالی است. بهره‌وری عبارت است به دست آوردن حداکثر سود ممکن از نیروی کار، توان، استعداد و مهارت نیروی انسانی، زمین، ماشین، پول، تجهیزات زمان، مکان و غیره به منظور ارتقاء رفاه جامعه، به گونه‌ای که افزایش آن به عنوان یک ضرورت، در جهت ارتقاء سطح زندگی انسان‌ها و ساختن اجتماعی همواره مدنظر صاحب‌نظران سیاست، مدیریت و اقتصاد قرار دارد. بهبود بهره‌وری موضوعی بوده است که از ابتدای تاریخ بشر و در کلیه نظام‌های سیاسی و اقتصادی مطرح بوده است؛ اما پژوهش در مورد چگونگی افزایش بهره‌وری بطور سیستماتیک و در چهارچوب مباحث علمی تحلیلی از حدود ۲۰۰ سال پیش به این طرف بطور جدی مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است. واژه «بهره‌وری» برای نخستین بار به وسیله فرانسوا کنه ریاضیدان و اقتصاددان فرانسوی بکار برده شد. «کنه» با طرح جدول اقتصادی، اقتدار هر دولتی را منوط به افزایش بهره‌وری در بخش کشاورزی می‌دانست. در سال ۱۸۸۳ فرانسوی دیگری بنام لیتره بهره‌وری را دانش و فن تولید تعریف کرد. با شروع دوره نهضت مدیریت علمی در اوایل سال‌های ۱۹۰۰، فردریک وینسلو، تیلور و فرانک و لیلیان گیلبریث به منظور افزایش کارایی کارگران، درباره تقسیم کار، بهبود روش‌ها و تعیین زمان استاندارد، مطالعاتی را انجام دادند کارایی بعنوان نسبتی از زمان واقعی انجام کار به زمان استاندارد از پیش تعیین شده تعریف شد (خاکی، ۱۳۷۶).

۲.۶. ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی و اجتناب مالیاتی

کارایی سرمایه‌گذاری به صورت مفهومی، به معنای پذیرش پروژه‌هایی با ارزش فعلی مثبت است و منظور از ناکارایی سرمایه‌گذاری، گذر از این نوع خالص فرصت‌های سرمایه‌گذاری (سرمایه‌گذاری کمتر از حد) و یا انتخاب پروژه‌هایی با خالص ارزش فعلی منفی (سرمایه‌گذاری بیش از حد) است. طبق مباحث سرمایه‌گذاری بهینه، نئوکلاسیک‌ها پیشنهاد می‌کنند مدیران باید تا زمانی که حاشیه سود با هزینه‌های انجام شده برابر شود، به سرمایه‌گذاری ادامه دهند. مطابق این پیشنهاد فرض می‌شود در بازار سرمایه هیچ اصطکاک‌کی وجود ندارد یعنی مدیران می‌توانند پروژه‌هایی را که ارزش خالص فعلی مثبتی دارند، با نرخ سود رایج تأمین مالی کرده و وجوه اضافی حاصل از اجرای این پروژه‌ها را به سرمایه‌گذاران پرداخت کنند. باین حال ممکن است مدیران دنبال حداکثر سازی منافع شخصی خود باشند و قضیه سرمایه‌گذاری بهینه را نادیده بگیرند، زیرا منافع شخصی مدیر لزوماً در راستای منافع سرمایه‌گذاران نخواهد بود و این احتمال وجود دارد که

مدیران در پروژه‌هایی با ارزش خالص فعلی منفی سرمایه‌گذاری کرده یا در پروژه‌هایی با ارزش خالص مثبت سرمایه‌گذاری نکنند (حبیب^۱، ۲۰۱۴). در بیشتر کشورهای جهان بخش عمده‌ای از منابع درآمدی دولت، از طریق دریافت مالیات تأمین می‌شود. سهم مالیات از کل درآمدهای عمومی در میان کشورها، متفاوت است و میزان آن بستگی به سطح توسعه و ساختار اقتصادی آن‌ها دارد. در این میان، فرار مالیاتی و گریز از مالیات در کشورها باعث شده است تا درآمدهای مالیاتی کشورها، همواره از آنچه که برآورد می‌شود کمتر باشد و تمامی کشورها تلاش خود را برای کاهش این دو پدیده به کار می‌گیرند یا از طریق اصلاح نظام مالیاتی، به چاره‌جویی برمی‌خیزند. توجه به پیوند بین سیاست مالیات و دستگاه وصول مالیات در اصلاح نظام مالیاتی کشور از هر حیث موضوعی مهم و قابل تأمل به شمار می‌آید (بادآورن‌نندی و تقی‌زاده خانقاه، ۱۳۹۷). مقایسه عملکرد مالیاتی و ظرفیت مالیاتی کشور، توجه ویژه‌ای را نسبت به پایین بودن ظاهری نسبت مالیات به محصول ناخالص داخلی در اقتصاد ایران پدید می‌آورد. از این رو، وزارت امور اقتصادی و دارایی بایستی در کنار توجه به موضوع‌هایی مانند شناسایی منابع مالیاتی، تعیین میزان بهینه مالیات قابل پرداخت و مباحثی مانند میزان مشمولیت یا اصالت مالیاتی، تمکین مالیاتی و معافیت‌های مالیاتی، بخش مهمی از کارایی نظام مالیاتی کشور را در پدید آوردن زمینه‌ها و شرایطی جستجو کند که با دقت، سرعت، کمترین میزان هزینه به ازای هر واحد مالیات وصول‌شده و کمترین میزان سوءاستفاده بتوان مالیات تعیین‌شده را وصول نماید. در این باره محاسبه نسبت هزینه‌های مستقیم وصول درآمد دولت، به کل درآمدهای مالیاتی نماگری را به دست می‌دهد که هزینه بالای وصول درآمدهای مالیاتی را در اقتصاد ایران به موضوعی مهم برای حداقل ساختن آن مبدل می‌سازد. به‌طور خلاصه، باید هدف‌گذاری آتی این وزارت برای درآمدهای مالیاتی در درون مجموع‌های از کارکردهای قابل‌شناسایی برای سیاست بودجه‌ای و در حالت کلی‌تر، در چارچوب سیاست‌های کلان اقتصادی دولت تعیین شود. بر این اساس، افزایش درآمد مالیاتی به‌خودی‌خود یک هدف تلقی نخواهد شد و نیاز به درآمد اضافی با در نظر گرفتن سقف نرخ رشد متعادل و نرخ انتظاری نسبت سرمایه به تولید در اقتصاد ایران تعیین خواهد شد. این نکته به‌ویژه با در نظر گرفتن پیوند ضعیف بین انتظارات موجود از نظام مالیاتی کشور و هدف‌های توسعه‌های اقتصادی ملی اهمیتی دوچندان می‌یابد. دولت برای تأمین هزینه‌های خود از منابع مختلف، درآمد تحصیل می‌کند. گرچه بخشی از درآمدهای دولت در کشور ما از طریق استقراض از بانک مرکزی، بخشی از فروش نفت و بخشی دیگر از درآمد حاصل از خدمات مختلف مانند خدمات پستی، حمل و نقل و انحصارات دولتی است، اما مالیات نیز بخش بسیار مهم و اثرگذاری از درآمد دولت را تشکیل می‌دهد. اهمیت مالیات بیشتر از آن جهت است که ارتباط میان مردم و دولت را حفظ کرده و دولت را ملزم به پاسخ‌گویی در برابر درآمد به دست آمده می‌کند. صاحب‌نظران اقتصاد و توسعه معتقدند که درآمدهای مالیاتی در راستای تأمین هزینه‌های دولت، شرایط نامطلوب اقتصادی آن جامعه را بهبود می‌بخشد. سهم درآمدهای مالیاتی دولت‌ها از تولید ناخالص داخلی کشورها معمولاً قابل توجه است. البته در اقتصاد ایران این سهم رقم بسیار ناچیزی است. عدم فاصله‌ی میان دولت و مردم مهم‌ترین مسئله در پرداخت «با رغبت» مالیات است. زمانی که مردم بدانند هرگونه فرار از زیر پرداخت مالیات در نهایت به زیان خود آنهاست و مانع از اجرای برنامه‌های رفاهی دولت خواهد شد، مطمئناً مالیات را با رغبت خواهند پرداخت. این موضوع الزامات بسیاری دارد که از آن جمله پاسخ‌گویی دقیق دولت به مطالبات مردم و انتقاد است (میناب و متین‌فرد، ۱۳۹۷).

¹ Habib

اجتناب مالیاتی و اجتناب از پرداخت مالیات دو پدیده‌های هستند که احتمالاً قدمت آن‌ها به خود پدیده اخذ مالیات برمی‌گردد. هر زمان و مکانی که حاکمان تصمیم به وضع مالیات گرفته‌اند، افراد و بنگاه‌ها نیز به دنبال اجتناب و یا اجتناب از پرداخت آن بوده‌اند. این پدیده در عصر حاضر که به عصر دیجیتال نیز معروف است، رو به گسترش بوده و فرصت‌های این واحدها بیشتر شده و در عین حال امکان شناسایی آن‌ها نیز مشکل‌تر شده است. بدنه رو به رشد پژوهش‌های حسابداری و اقتصاد استدلال می‌کند که ناکارآمدی در سرمایه‌گذاری نیروی انسانی یک شرکت که نشان‌دهنده ورودی قابل توجهی در هزینه‌های تولید یک شرکت است، نتیجه مشکلات گسترده‌تر بازار در مورد فعالیت‌های عملیاتی، سرمایه‌گذاری و تأمین مالی بنگاه‌هاست. در واقع، ناکارآمدی نیروی کار بازتابی از شرایط قراردادهای و کنترل است که هزینه‌های نمایندگی، نظارت، شفافیت اطلاعات و مبادله را در برمی‌گیرد. بر اساس اصول نظریه نشووناسیک، ناکارآمدی نیروی کار منجر به سودآوری زیر بهینه خواهد شد که ممکن است بر توانایی شرکت‌ها برای ادامه کار مداوم تأثیر بگذارد (کامرون و همکاران^۱ ۱۹۹۱ و کامرون، ۱۹۹۴). دلیل این امر این است که برخلاف سرمایه، نیروی کار اساساً برای جریان نقدی عملیاتی شرکت پرداخت می‌شود و نه از طریق بدهی یا تأمین مالی سهام. اگر اشتغال ناکارآمد نیروی انسانی سود شرکت‌ها و درآمد داخلی آن‌ها را کاهش دهد به گونه‌ای که شرکت‌ها نتوانند نیازهای فعلی خود را تأمین کنند (پرداخت دستمزدها، بهره‌ها و مالیات‌ها)، آن‌ها انگیزه‌ای برای شرکت در رفتار پس‌انداز پول دارند که ممکن است شامل فرار مالیاتی باشد. سرمایه‌گذاری‌های کم کارآمد در نیروی کار منجر به افزایش سطح اجتناب مالیاتی شرکت‌ها می‌شوند. ناکارآمدی نیروی کار شامل کاهش شفافیت و تبادل اطلاعات می‌شود. شرکت‌ها، در عمل، ناکارآمدی نیروی کار را تجربه می‌کنند، در معرض عدم تقارن اطلاعاتی یا مشکلات نمایندگی قرار دارند و منجر به موقعیت‌هایی می‌شوند که دارای خطر اخلاقی یا انتخاب نامطلوب هستند. به‌عنوان مثال، مشکلات خطر اخلاقی مربوط به سرمایه‌گذاری بیش‌ازحد در نیروی کار می‌تواند منجر به ناکارآمدی در قراردادهای و نظارت در یک شرکت شود که باعث ایجاد گمنامی و عدم کنترل داخلی می‌شود که منجر به برنامه‌ریزی تهاجمی مالیاتی و فرصت مدیریت شرکت برای مشاغل اجاره‌ای است. سرمایه‌گذاری کم در نیروی کار از طریق عدم تقارن اطلاعات بین مدیران بنگاه‌ها و سرمایه‌گذاران ممکن است به‌عنوان بیش‌ازحد اشتغال یا کم‌کاری استخدام شود که باعث ناکارآمدی عملیاتی مرتبط و تأثیر جریان در جریان وجوه نقدی شرکت‌ها می‌شود (جانگ و همکاران، ۲۰۱۴). به‌عنوان مثال، یک رویکرد محافظه‌کارانه از نظر استخدام و اخراج می‌تواند به‌نوبه خود، سودآوری عملکرد یک شرکت را محدود کند و انگیزه‌های را برای مدیران برای پیگیری فعالیت‌های جلوگیری از مالیات برای افزایش جریان نقدی فراهم می‌کند. به‌خصوص، ناکارآمدی در اطراف کار ممکن است توانایی شرکت را در تأثیر نظارت و کنترل کافی تأثیر بگذارد. برای تأیید این ادعا، چایز و همکاران^۲ (۲۰۱۳) دریافت که قدرت اتحادیه کارگری برنامه‌ریزی اجتناب مالیاتی را که ناشی از افزایش نظارت توسط آن اتحادیه‌های کارگری است، کاهش می‌دهد. علاوه بر این، تیلور و ریچاردسون^۳ (۲۰۱۲) دریافتند که سطح بالاتری از جبران خسارت بر مبنای نقدی و حقوق صاحبان سهام، مدیران را ترغیب می‌کند تا خطرات ناشی از درجه بالاتری از اجتناب مالیاتی را در معرض خطر قرار دهند. به همین ترتیب، با افزایش ناکارآمدی نیروی انسانی فرصت‌های جستجو برای رانت را برای مدیران، به احتمال زیاد آن‌ها را به خطر می‌اندازد و

¹ Cameron

² Chyz

³ Richardson

استراتژی‌های اجتناب مالیاتی را دنبال می‌کنند. به عنوان مثال، جولفاین^۱ (۲۰۰۰) دریافت که مدیران بنگاه‌هایی که در اظهارنامه مالیاتی شخصی خود تقلب می‌کنند، احتمال بیشتری برای کمک به بنگاهی را دارند که در آن موفق به جلوگیری از مالیات شوند. به‌طور کلی، به نظر می‌رسد حمایت از این فرض وجود داشته باشد که کارایی نیروی کار برای برنامه‌ریزی مالیاتی بنگاه‌ها اهمیت دارد.

در تمامی کشورها، دولت‌ها در قبال مردم در برآورده ساختن برخی نیازها و خواسته‌های آنان همچون ایجاد اشتغال، ایجاد امنیت داخلی و ملی، تثبیت قیمت‌ها، تأمین اجتماعی کارآمد، ثبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، بهبود وضعیت تراز پرداخت‌ها و غیره پاسخگو هستند و برای دستیابی به این مهم نیازمند منابع مالی مکفی خواهند بود، به همین سبب از دیرباز و تشکیل جوامع حکومتی، مالیات و اخذ آن به‌عنوان بحثی حاکمیتی بوده و دریافت آن تحت عناوین و اشکال مختلف رایج گشته و رفته‌رفته جنبه علمی به خود گرفته است. امروزه درآمدهای مالیاتی یکی از مهم‌ترین منابع درآمدی در بودجه اکثر دولت‌ها به‌ویژه کشورهای توسعه‌یافته بوده و به‌عنوان یک شاخص اقتصادی در رتبه‌بندی کشورها نیز مطرح می‌شود، حجم و میزان درآمدهای مالیاتی در قسمت منابع بودجه، معرف سلامت اقتصادی حکومت شناخته می‌شود و نقطه قوت سیستم اقتصادی هر کشور، شفافیت و سلامت نظام اقتصادی از طریق اتکا به منابع و درآمدهای مالیاتی است. این در حالی است که در کشورهای توسعه‌نیافته، اتکا دولت به درآمدهای حاصل از فروش منابع طبیعی و زیرزمینی همچون نفت خام که در حقیقت فروش سرمایه محسوب می‌شود مشکلات ساختاری به وجود آورده که با نوسانات قیمت جهانی این‌گونه منابع طبیعی، بودجه آن کشور تحت تأثیر قرار گرفته و دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده در بودجه دچار مشکل می‌شود و به مرور این شکاف در طی سالیان متمادی عمیق‌تر می‌شود که ماحصل آن یک اقتصاد ناسالم و بی‌ثبات خواهد بود، که بالا بودن اختلاف طبقاتی و تبعات بعدی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی آن فقط یکی از نشانه‌های آن است. در وضع و وصول مالیات، دولت‌ها به دنبال تجهیز منابع مالی در برابر مخارج دولتی، تثبیت فعالیت‌های اقتصادی و تحقق عدالت اجتماعی به‌وسیله تعدیل نابرابری‌های درآمدی و ثروت بوده و به همین سبب است که مالیات به‌عنوان یکی از مباحث اصلی اقتصاد کلان و یک ابزار و اهرم مالی کارآمد برای به تعادل رساندن اقتصاد و بهبود وضعیت شاخص‌های اقتصادی همچون نرخ بیکاری، نرخ تورم، حمایت از تولیدات داخلی، نرخ سرمایه‌گذاری و غیره در اختیار دولت‌ها قرار دارد که نحوه و میزان به لحاظ تأکید کارشناسان و صاحب‌نظران اقتصادی بر استفاده از سیاست اقتصادی کاهش وابستگی بودجه دولت به درآمدهای نفتی و اتکا بر درآمدهای مالیاتی و افزایش نرخ متوسط مالیات در کشور برای شتاب دادن به روند رشد توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی ضرورت افزایش و به بیانی منطقی نمودن وصول و اخذ مالیات در هر جامعه‌ای با توجه به ویژگی‌های آن یکی از ضروریات است و در این راستا یکی از راهکارهای افزایش حجم درآمدهای مالیاتی، شناسایی و ریشه‌یابی اجتناب مالیاتی و به دنبال آن جلوگیری و کاهش اجتناب مالیاتی است (دادبه و ابوالحسنی، ۱۳۹۵). همچنین یکی از قابل‌تأمل‌ترین و چالش‌برانگیزترین مسائل عصر حاضر، بحث توسعه اقتصادی است و از عوامل مؤثر بر توسعه اقتصادی، سرمایه‌گذاری کارا است. به‌طور مفهومی، کارایی سرمایه‌گذاری زمانی حاصل می‌شود که شرکت فقط در طرح‌هایی با ارزش فعلی خالص مثبت سرمایه‌گذاری کند. البته این سناریو در صورتی کارساز است که بازار کامل باشد و هیچ‌یک از مسائل بازار ناقص از جمله گزینش نامطلوب و هزینه‌های نمایندگی وجود نداشته باشد. ولی از آنجا که بازار کامل نیست امکان ناکارآمد بودن سرمایه‌گذاری وجود دارد، یعنی مدیران شرکت در پروژه‌هایی با ارزش فعلی خالص

^۱ Joulfaian

منفی سرمایه‌گذاری نموده و یا در پروژه‌هایی با ارزش فعلی خالص مثبت به صورت کامل سرمایه‌گذاری نمی‌نمایند که به ترتیب سرمایه‌گذاری بیش از حد و کمتر از حد نامیده می‌شود و هر کدام از این دو حالت باعث تحمیل هزینه‌های نمایندگی به سهامداران شرکت خواهد شد. یکی از عواملی که می‌تواند امکان ناکارایی سرمایه‌گذاری را کاهش دهد توانایی‌های مدیریت شرکت است. توانایی مدیریت مستقل از ویژگی‌های بالقوه شرکت تعریف شده است. مدیران توانا، قدرت ذاتی بالایی در اندازه‌گیری بازده زمانی و اقتصادی سرمایه‌گذاری و همچنین ترکیب اطلاعات جاری و تخمین‌های آتی با در نظر گرفتن ریسک بازده سرمایه‌گذاری‌های شرکت دارند. بنابراین این گونه مدیران فرصت‌های سرمایه‌گذاری را بهتر تشخیص داده و اقدام به سرمایه‌گذاری کارا مینمایند. اشتغال مؤثر شرکت‌ها را ملزم به استخدام ورودی می‌کند به گونه‌ای که محصول درآمد حاشیه‌ای هر ورودی برابر با هزینه حاشیه آن باشد. پژوهش‌های قبلی تأیید می‌کند که بهره‌وری و جبران نیروی انسانی مؤلفه‌های قابل توجهی از ارزش شرکت‌ها و کل هزینه‌های تولید در صنعت و اقتصاد است (مارجیت و همکاران^۱، ۲۰۲۱).

۲.۷. پیشینه پژوهش

۲.۷.۱. پیشینه داخلی

رحیمی و فروغی (۱۳۹۹) در پژوهشی تحت عنوان بررسی تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به این نتیجه دست یافتند که افزایش اجتناب از پرداخت مالیات، کارایی سرمایه‌گذاری شرکت را کاهش می‌دهد.

حسینی (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی، توان مدیریت و کارایی سرمایه‌گذاری پرداخت. وی بیان داشت که با افزایش اجتناب مالیاتی، شرکت‌های با توان مدیریتی پایین‌تر مقادیر کمی از کارایی سرمایه‌گذاری را از خود نشان می‌دهند، در صورتیکه شرکت‌های با توان مدیریت بالاتر مقادیر بیشتری از کارایی سرمایه‌گذاری را از خود نشان می‌دهند. همچنین با افزایش اجتناب مالیاتی، شرکت‌های با حاکمیت شرکتی ضعیف کارایی سرمایه‌گذاری پایین‌تری را از خود نشان می‌دهند، در صورتیکه شرکت‌های با حاکمیت شرکتی قوی کارایی سرمایه‌گذاری بالاتری را از خود نشان می‌دهند.

میناب و متین فرد (۱۳۹۷) به بررسی ارتباط بین بررسی رابطه میان اجتناب مالیاتی و ناکارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج مطالعات آن‌ها نشان داد که رابطه معنادار و منفی میان اجتناب مالیاتی با سطح سرمایه‌گذاری و ناکارایی سرمایه‌گذاری وجود دارد. همچنین با توجه به منفی بودن این ارتباط، افزایش اجتناب از پرداخت مالیات با کاهش در سطح سرمایه‌گذاری و کاهش در میزان ناکارایی سرمایه‌گذاری روبرو خواهد بود.

۲.۷.۲. پیشینه خارجی

تیلور و همکاران^۲ (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی اثر ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی بر اجتناب مالیاتی پرداختند. آن‌ها در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که ناکارآمدی سرمایه‌گذاری نیروی انسانی عامل مهمی در اجتناب مالیات شرکت‌ها است.

¹ Marjit

² Taylor

فاوارا و همکاران^۱ (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی تأثیر ناکارایی میزان سرمایه‌گذاری بر رابطه میان اهرم و ریسک ورشکستگی پرداختند. آن‌ها بیان داشتند که ناکارایی سرمایه‌گذاری بر ارتباط بین اهرم مالی و ریسک ورشکستگی تأثیر منفی دارد. همچنین ناکارایی سرمایه‌گذاری بر ارتباط بین اهرم عملیاتی و ریسک ورشکستگی تأثیر مثبت دارد و ناکارایی سرمایه‌گذاری بر ارتباط بین اهرم مرکب و ریسک ورشکستگی تأثیر مثبت دارد.

بیلینگ و روی^۲ (۲۰۱۸) در پژوهشی تحت عنوان بررسی تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر کارایی سرمایه‌گذاری بیان داشتند که با افزایش اجتناب از پرداخت مالیات در شرکت، سرمایه‌گذاری بیش از حد نیز افزایش می‌یابد.

خورانا و همکاران^۳ (۲۰۱۸) در پژوهشی توانایی مدیریتی، اجتناب مالیاتی و کارایی سرمایه‌گذاری را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که توانایی مدیریتی باعث می‌شود، افزایش اجتناب مالیاتی منجر به افزایش کارایی سرمایه‌گذاری شود.

چن و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین کیفیت گزارشگری مالی و ناکارایی سرمایه‌گذاری پرداختند. آن‌ها بیان داشتند که هرچه کیفیت گزارشگری بالاتر باشد ناکارایی سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد. همچنین وجود رابطه بسیار قوی بین کیفیت گزارشگری مالی و سرمایه‌گذاری بیش از حد را در شرکت‌های با مانده وجوه نقد بیشتر را نشان داد.

۳. فرضیه‌های پژوهش

در این پژوهش، با استفاده از مبانی نظری، پیشینه‌های داخلی و خارجی و الگوی مفهومی پژوهش، فرضیه‌های زیر تدوین شده است:

فرضیه اول: ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی بر اجتناب مالیاتی تأثیر معناداری دارد.

فرضیه دوم: بیش سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی بر اجتناب مالیاتی تأثیر معناداری دارد.

فرضیه سوم: کم سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی بر اجتناب مالیاتی تأثیر معناداری دارد.

۴. روش پژوهش

از آنجا که پژوهش حاضر رابطه بین متغیرهای مالی را بررسی می‌نماید و نتایج آن در حوزه عمل تجزیه و تحلیل سرمایه‌گذاری قابل استفاده خواهد بود، از لحاظ هدف، کاربردی است. به علاوه، پژوهش حاضر براساس ماهیت، توصیفی می‌باشد. همچنین به دلیل اینکه داده‌های گردآوری شده در رابطه با رویدادهایی است که در گذشته رخ داده است، این پژوهش از نظر زمانی جزو پژوهش‌های گذشته‌نگر و به دلیل استفاده از داده‌های کمی از نوع پژوهش‌های کمی است و به دلیل اینکه از طریق تجزیه و تحلیل و استنباط از مشاهدات به یک نتیجه کلی می‌رسد، این پژوهش از نوع استقرایی می‌باشد. پژوهش حاضر از لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها، توصیفی-همبستگی محسوب می‌شود.

در این پژوهش برای تدوین ادبیات موضوع و پیشینه پژوهش از روش کتابخانه‌ای (مراجعه به مقالات فارسی و لاتین، پایان نامه‌ها و رساله‌ها، کتاب‌های تخصصی و سایت‌های معتبر اینترنتی) استفاده خواهد شد. همچنین برای جمع‌آوری داده‌های مدل‌های آماری برای آزمون فرضیه‌ها از روش اسنادی (مراجعه به مجموعه صورت‌های مالی و داده‌های بازار در نرم افزار ره آورد نوین ۳، سایت اینترنتی کدال، سایت اینترنتی سازمان بورس و اوراق بهادار) استفاده شده است.

¹ Favara

² Bailing & Rui

³ Khurana

⁴ Chen

مبانی نظری و داده‌های مورد نیاز آزمون‌های آماری این پژوهش از طریق ابزار فیش^۱ ثبت و جمع آوری می‌شود. به منظور انجام محاسبات و آماده نمودن داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز پژوهش و تجزیه و تحلیل آن‌ها، از نرم افزارهای اکسل ۲۰۱۰ و ایویوز ۱۰ استفاده شده است.

۵. جامعه آماری

جامعه آماری در این پژوهش متشکل از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از سال ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۹ است. در این پژوهش، به دلیل نامتجانس بود برخی از اعضاء جامعه آماری، نمونه‌گیری به روش حذفی هدفمند (سیستماتیک) انجام شده است. برای این منظور محدودیت‌های زیر برای انتخاب شرکت‌های نمونه آماری در نظر گرفته می‌شود:

- ۱- شرکت از ابتدای سال ۱۳۹۰ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد.
 - ۲- سال مالی شرکت منتهی به پایان اسفند ماه هر سال باشد و طی دوره پژوهش سال مالی خود را تغییر نداده باشد.
 - ۳- اطلاعات مالی آن برای کل بازه زمانی مورد بررسی در دسترس باشد.
 - ۴- سهام شرکت در هر یک از سالهای دوره پژوهش، وقفه معاملاتی بیش از سه ماه نداشته باشد.
 - ۵- جزء واسطه‌گری مالی، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و لیزینگ، هلدینگ‌ها، بانک‌ها و بیمه‌ها نباشند.
- پس از اعمال محدودیت‌های فوق در خصوص جامعه آماری تعداد ۱۶۵ شرکت به عنوان نمونه آماری انتخاب شد. از طرفی با توجه به آنکه داده‌ها برای آزمون فرضیه‌ها به صورت ترکیبی (مقطعی - سری زمانی) طی ۷ سال مربوط به ۱۶۵ شرکت جمع آوری می‌شوند، بنابراین تعداد ۱۱۵۵ سال-شرکت به عنوان حجم نمونه آماری است.

۶. متغیرهای پژوهش

ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی: منظور از ناکارایی سرمایه‌گذاری نیروی انسانی در یک شرکت، کاهش شفافیت و تبادل اطلاعات، در معرض عدم تقارن اطلاعاتی یا مشکلات نمایندگی قرار گرفتن و بی‌اخلاقی، می‌باشد (تیلور و همکاران، ۲۰۱۹). کارایی سرمایه‌گذاری به معنای به کارگیری تعداد بهینه‌ای از نیروی کار است و ناکارایی سرمایه‌گذاری بیش سرمایه‌گذاری و کم سرمایه‌گذاری کردن در نیروی انسانی را در کانون توجه قرار دهد (افلاطونی و خزایی، ۱۳۹۵). در این پژوهش از درصد تغییر در تعداد کارمندان بنگاهها (استخدام خالص) به عنوان معیاری برای سرمایه‌گذاری نیروی کار استفاده می‌شود و معیار کارایی نیروی کار را براساس انحراف مطلق استخدام خالص واقعی از استخدام خالص مورد انتظار ایجاد می‌کنیم. اندازه‌گیری اصلی کارایی نیروی کار مبتنی بر مدلی است که توسط (پیناک و لیلی^۲، ۲۰۰۷) ابداع شده است و سطح مورد انتظار برای استخدام خالص شامل متغیرهایی مانند رشد فروش، نقدینگی، اهرم و سودآوری است که از عوامل تعیین کننده روشهای استخدام شرکتها هستند. در نتیجه، اندازه‌گیری استخدام خالص غیرطبیعی، میزان سود خالص قابل انتساب به عوامل اقتصادی زیربنایی در یک شرکت را محصور نمی‌کند (پیناک و لیلی، ۲۰۰۷؛ جانگ^۳ و همکاران، ۲۰۱۴). سرانجام، اقدامات مقابله با اجتناب از مالیات شرکتها و متغیرهای کنترل مرتبط با آن در این مطالعه، تمام اقدامات نشان‌دهنده اقدامات متداول از پژوهش‌های اجتناب مالیاتی قبلی است (هانلون و هایزمن، ۲۰۱۰).

1 Fiche

2 Pinnuck & Lillis

3 Jung

برای اندازه‌گیری ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی، ابتدا سطح خالص استخدام مورد انتظار (تغییر درصد در تعداد کارکنان) را با استفاده از رابطه (۱) که توسط پیناک و لیلیز (۲۰۰۷) ارائه شده است، برآورد می‌شود. قدر مطلق باقیمانده این مدل (ε) نشان دهنده خالص استخدام غیرعادی (AANH) است و به عنوان معیار ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی در نظر گرفته می‌شود:

$$\text{NetHire}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{SG}_{i,t-1} + \beta_2 \text{SG}_{i,t} + \beta_3 \Delta \text{ROA}_{i,t} + \beta_4 \Delta \text{ROA}_{i,t-1} + \beta_5 \text{ROA}_{i,t} \\ + \beta_6 \text{Ret}_{i,t} + \beta_7 \text{Size}_{i,t-1} + \beta_8 \text{Quick}_{i,t-1} + \beta_9 \Delta \text{Quick}_{i,t} + \beta_{10} \text{Lev}_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{رابطه (۱)}$$

که در آن:

$\text{NetHire}_{i,t}$ = سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی (درصد تغییرات تعداد نیروی انسانی) شرکت i در سال t

$\text{SG}_{i,t-1}$ = رشد فروش (درصد تغییرات درآمد فروش)، شرکت i در سال $t-1$

$\text{SG}_{i,t}$ = رشد فروش (درصد تغییرات درآمد فروش)، شرکت i در سال t

$\Delta \text{ROA}_{i,t}$ = تغییرات بازده دارایی‌های شرکت i در سال t

$\Delta \text{ROA}_{i,t-1}$ = تغییرات بازده دارایی‌های شرکت i در سال $t-1$

$\text{ROA}_{i,t}$ = بازده دارایی‌های شرکت i در سال t

$\text{Ret}_{i,t}$ = بازده سالانه سهام شرکت i در سال t

$\text{Size}_{i,t-1}$ = اندازه (لگاریتم ارزش بازار) شرکت i در سال $t-1$

$\text{Quick}_{i,t-1}$ = نسبت آنی (نسبت وجه نقد، سرمایه‌گذاری‌های کوتاه مدت و مطالبات به بدهی‌های جاری) در سال $t-1$

۱

$\Delta \text{Quick}_{i,t}$ = تغییرات نسبت آنی در سال t

$\text{Lev}_{i,t-1}$ = اهرم مالی (نسبت بدهی‌های بلندمدت به کل دارایی‌ها) شرکت i در سال $t-1$

$\varepsilon_{i,t}$ = باقیمانده رگرسیون شرکت i در سال t

در رابطه (۱) انتظار می‌رود که تغییر در تعداد نیروی انسانی شرکت، تابعی از متغیرهای مستقل مدل باشد. بنابراین، قدر مطلق جمله باقیمانده رابطه که مبین اختلاف بین درصد واقعی و درصد مورد انتظار تغییرات در تعداد نیروی انسانی شرکت است؛ مقدار غیربهبینه یا ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی (AANH) را به شرح رابطه (۲) نشان می‌دهد.

$$\text{AANH}_{i,t} = |\varepsilon_{i,t}| \quad \text{رابطه (۲)}$$

مثبت بودن باقیمانده رابطه (۱) نشان دهنده بیش سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی (OANH) و منفی بودن آن نشان دهنده کم سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی (UANH) می‌باشد.

اجتناب مالیاتی: هرگونه تلاش غیرقانونی برای پرداخت نکردن مالیات مانند ندادن اطلاعات لازم در مورد عواید و منافع مشمول مالیات به مقامات مسئول، اجتناب مالیاتی خوانده می‌شود. تعریف اجتناب مالیاتی، برای انواع مالیات‌ها یکسان است. در اجتناب مالیاتی، به‌رغم تطبیق فعالیت با قوانین، در اجرای فعالیت یک یا چند ضابطه مصوب مراجع ذی‌ربط عمداً نادیده گرفته می‌شود (تیلور و همکاران، ۲۰۱۹). در این پژوهش به منظور محاسبه اجتناب مالیاتی از سنجه نرخ

مالیات مؤثر حسابداری استفاده می‌شود که در پژوهش‌های قبلی به‌طور گسترده مورد استفاده قرار گرفته است. نرخ مؤثر مالیاتی (GAAP_ETR) به شرح رابطه (۳) محاسبه میگردد:

$$\text{GAAP_ETR}_{i,t} = \text{LTR}_t - \frac{\text{TTE}_{i,t}}{\text{PBT}_{i,t}} \quad \text{رابطه (۳)}$$

که در آن:

$$\text{TTE}_{i,t} = \text{کل مالیات شرکت } i \text{ در سال } t$$

$$\text{PBT}_{i,t} = \text{سود قبل از کسر مالیات شرکت } i \text{ در سال } t$$

$$\text{LTR}_t = \text{نرخ قانونی مالیات در سال } t$$

از آنجا که هر چه نرخ مؤثر مالیاتی شرکت کمتر باشد، میزان اجتناب مالیاتی آن شرکت بیشتر است، لذا نرخ مؤثر مالیاتی محاسبه شده از نرخ قانونی مالیات^۱ اشخاص حقوقی کسر می‌شود تا سنجه مستقیمی از اجتناب مالیاتی حاصل شود (دایرننگ و هانلون، ۲۰۱۰).

نقدینگی: معیاری مالی است که برای تعیین توانایی شرکت در پرداخت تعهدات و بدهی‌های کوتاه مدت مورد استفاده قرار می‌گیرد. عموماً، هر چه مقدار نسبت نقدینگی بالاتر باشد، حاشیه امنیتی که شرکت برای پوشش بدهی‌های کوتاه مدتش دارد، نیز بزرگ‌تر خواهد بود (افلاطونی و خزایی، ۱۳۹۵). در این پژوهش با توجه به مطالعات از کان^۲ و از کان (۲۰۰۴) نقدینگی از طریق نسبت وجوه نقد به کل دارایی‌های شرکت به شرح رابطه زیر، محاسبه می‌شود:

$$\text{CASH}_{i,t} = \frac{\text{CASH}_{i,t}}{\text{TA}_{i,t}} \quad \text{رابطه (۴)}$$

$$\text{CASH}_{i,t} = \text{وجوه نقد شرکت } i \text{ در پایان سال } t$$

$$\text{TA}_{i,t} = \text{کل دارایی‌های شرکت } i \text{ در سال } t \text{ (همت فر و مقدسی، ۱۳۹۲)}.$$

اهرم مالی: اهرم مالی عبارت است از استفاده از انواع ابزارهای مالی یا بدهی برای افزایش نرخ بازده بالقوه سرمایه‌گذاری (حساس یگانه و باغومیان، ۱۳۹۵). اهرم مالی در این پژوهش از طریق نسبت ارزش دفتری کل بدهیها به ارزش دفتری کل دارایی‌ها اندازه‌گیری میشود.

$$\text{LEV}_{i,t} = \frac{\text{TD}_{i,t}}{\text{TA}_{i,t}} \quad \text{رابطه (۵)}$$

$$\text{TD}_{i,t} = \text{کل بدهی‌های شرکت } i \text{ در سال } t$$

اندازه شرکت: ارزش کل ریالی همه سهام منتشرشده یک شرکت در بازار بورس، اندازه شرکت گفته می‌شود. اندازه شرکت از طریق ضرب تعداد سهام یک شرکت در قیمت روز هر سهم محاسبه می‌شود. در جامعه سرمایه‌گذاری، از این معیار برای مقایسه شرکت‌ها با یکدیگر استفاده می‌شود (حساس یگانه و باغومیان، ۱۳۹۵). در این پژوهش عبارت است از لگاریتم طبیعی ارزش دفتری دارایی‌های جاری و غیرجاری شرکت به شرح رابطه زیر (حساس یگانه و باغومیان، ۱۳۹۵):

۱ نرخ مالیات اشخاص حقوقی در ایران طبق ماده ۲۵ قانون مالیات‌های مستقیم ۲۵٪ می‌باشد و طبق ماده ۱۴۳ قانون مذکور ۱۰٪ از مالیات بر درآمد شرکت‌هایی که سهام آنها برای معامله در بورس‌های داخلی یا خارجی پذیرفته می‌شود معاف می‌باشد؛ بنابراین نرخ قانونی مالیات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ۵.۲۲٪ می‌باشد.

$$SIZE_{i,t} = LN(TA_{i,t}) \quad \text{رابطه (۶)}$$

به منظور آزمون فرضیه اول پژوهش از مدل رگرسیونی خطی چندگانه زیر استفاده می‌شود:

$$TAX_AVOID_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 AANH_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + \beta_4 CASH_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{رابطه (۷)}$$

که در آن:

$$TAX_AVOID_{i,t} = \text{اجتناب مالیاتی شرکت } i \text{ در سال } t$$

$$AANH_{i,t} = \text{ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی شرکت } i \text{ در سال } t$$

$$SIZE_{i,t} = \text{اندازه شرکت } i \text{ در سال } t$$

$$LEV_{i,t} = \text{اهرم مالی شرکت } i \text{ در سال } t$$

$$CASH_{i,t} = \text{نقدینگی شرکت } i \text{ در سال } t$$

$$\varepsilon_{i,t} = \text{عبارت خطا شرکت } i \text{ در سال } t$$

$$\beta = \text{ضریب ثابت (عرض از مبدا)}$$

به منظور آزمون فرضیه دوم پژوهش از مدل رگرسیونی خطی چندگانه زیر استفاده می‌شود:

$$TAX_AVOID_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 OANH_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + \beta_4 CASH_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{رابطه (۸)}$$

که در آن:

$$OANH_{i,t} = \text{بیش سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی شرکت } i \text{ در سال } t$$

به منظور آزمون فرضیه سوم پژوهش از مدل رگرسیونی خطی چندگانه زیر استفاده می‌شود:

$$TAX_AVOID_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 UANH_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + \beta_4 CASH_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{رابطه (۹)}$$

که در آن:

$$UANH_{i,t} = \text{کم سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی شرکت } i \text{ در سال } t$$

۷. یافته‌های پژوهش

۷.۱. آمار توصیفی

جدول ۱ آمار توصیفی متغیرهای پیوسته پژوهش را نشان می‌دهد که شامل اطلاعات مربوط به شاخص‌های مرکزی (میانگین و میانه)، شاخص پراکندگی (حداکثر، حداقل و انحراف معیار) و شاخص‌های توزیع (ضریب چولگی و ضریب کشیدگی) می‌باشد. اصلی‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌هاست. به عنوان مثال میانگین اجتناب مالیاتی در نمونه آماری برابر با تقریباً ۰.۱۰۲ می‌باشد. به عبارتی شرکت‌های نمونه آماری به صورت میانگین ۱۰٪ مالیات کمتر از نرخ قانونی (۲۲.۵٪) مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار موضوع ماده ۱۰۵ و ۱۴۳ قانون مالیات‌های مستقیم پرداخت (حدوداً ۲۵.۲٪) نموده‌اند. همچنین پارامترهای پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی داده‌ها از یکدیگر یا میزان پراکندگی آنها نسبت به میانگین است. از مهمترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است. در بین متغیرهای پژوهش، نقدینگی کمترین

و ناکارایی سرمایه گذاری بیشترین میزان پراکندگی را دارد. همچنین آمار توصیفی متغیرهای مجازی پژوهش که به صورت ۱ و ۰ بیان شده‌اند، به شرح جدول ۲ می‌باشد.

جدول ۱: آماره‌های توصیفی متغیرهای پیوسته پژوهش

| متغیر | اندازه شرکت | هرم مالی | نقدینگی | ناکارایی سرمایه گذاری | اجتناب مالیاتی |
|--------------------|-------------|----------|----------|-----------------------|----------------|
| علامت اختصاری | SIZE | LEV | CASH | AANH | TAX_AVOID |
| میانگین | ۱۴/۵۵۵۴۷ | ۰/۵۷۵۸۱۹ | ۰/۰۴۲۶۲۱ | ۰/۲۸۴۸۷۸ | ۰/۱۰۲۶۵۵ |
| میان | ۱۴/۳۴۰۰۰ | ۰/۵۷۴۱۰۰ | ۰/۰۲۶۰۰۰ | ۰/۱۴۸۷۰۰ | ۰/۱۰۹۱۷۵ |
| حداکثر | ۲۰/۱۸۰۰۰ | ۱/۵۶۷۳۰۰ | ۰/۵۹۹۶۰۰ | ۵۳/۱۶۹۴۰ | ۰/۸۵۰۱۷۵ |
| حداقل | ۱۰/۵۳۰۰۰ | ۰/۰۴۷۲۰۰ | ۰/۰۰۰۳۰۰ | ۰/۰۰۰۰۰۰ | -۳/۴۰۵۲۳۷ |
| انحراف معیار | ۱/۶۱۱۲۵۱ | ۰/۲۰۴۰۹۶ | ۰/۰۵۲۴۰۶ | ۱/۶۷۱۸۵۵ | ۰/۱۵۳۹۳۶ |
| ضریب چولگی | ۰/۸۲۷۵۴۰ | ۰/۲۳۳۷۰۲ | ۳/۷۷۶۴۳۱ | ۲۸/۵۴۳۱۸ | -۱۱/۵۸۹۱۱ |
| ضریب کشیدگی | ۴/۰۰۶۷۹۷ | ۳/۶۳۱۸۰۸ | ۲۶/۵۴۵۹۳ | ۸۷۹/۷۱۰۹ | ۲۴۴/۲۳۱۹ |
| آماره جارک- برا | ۱۸۰/۶۰۹۹ | ۲۹/۷۲۴۲۹ | ۲۹۴۲۶/۳۴ | ۳۷۱۴۶۷۷۰ | ۲۸۲۶۳۸۴/ |
| احتمال | ۰/۰۰۰۰۰۰ | ۰/۰۰۰۰۰۰ | ۰/۰۰۰۰۰۰ | ۰/۰۰۰۰۰۰ | ۰/۰۰۰۰۰۰ |
| مجموع | ۱۶۸۱۱/۵۷ | ۶۶۵/۰۷۰۹ | ۴۹/۲۲۷۲۰ | ۳۲۹/۰۳۴۵ | ۱۱۸/۵۶۶۷ |
| مجموع مجذور انحراف | ۲۹۹۵/۹۳۵ | ۴۸/۰۷۰۲۶ | ۳/۱۶۹۳۴۶ | ۳۲۲۵/۵۴۴ | ۲۷/۳۴۵۵۵ |
| تعداد مشاهدات | ۱۱۵۵ | ۱۱۵۵ | ۱۱۵۵ | ۱۱۵۵ | ۱۱۵۵ |

جدول ۲: آماره‌های توصیفی متغیرهای مجازی پژوهش

| نام متغیر | علامت اختصاری | مشاهدات ۱ | مشاهدات ۰ | مجموع مشاهدات |
|----------------------------------|---------------|-----------|-----------|---------------|
| بیش سرمایه گذاری در نیروی انسانی | OANH | ۴۰۹ | ۷۴۶ | ۱۱۵۵ |
| کم سرمایه گذاری در نیروی انسانی | UANH | ۷۴۴ | ۴۱۱ | ۱۱۵۵ |

۷.۲. آمار استنباطی

۷.۲.۱. تجزیه و تحلیل آماری و آزمون فرضیه ها

۷.۲.۱.۱. آزمون فرضیه اول پژوهش

فرضیه اول: ناکارایی سرمایه گذاری در نیروی انسانی بر اجتناب مالیاتی تأثیر معناداری دارد.

جدول ۳: نتایج آزمون فرضیه شماره ۱

| متغیر وابسته: اجتناب مالیاتی | | | | | | |
|------------------------------|-----------|-----------|------------------|-------------------|---------|--------------|
| متغیر | نماد ضریب | ضریب | انحراف استاندارد | آماره t | p-value | نتیجه |
| C | β_0 | ۰/۱۰۸۵۱۱ | ۰/۰۰۲۷۸۱ | ۳۹/۰۱۶۶۵ | ۰/۰۰۰۰ | معنادار |
| AANH | β_1 | ۵/۸۷E-۰۵ | ۲/۲۸E-۰۵ | ۲/۵۷۱۰۹۲ | ۰/۰۱۰۳ | معنادار |
| D(SIZE) | β_2 | -۰/۰۱۰۵۲۲ | ۰/۰۰۲۳۷۵ | -۴/۴۳۰۶۸۷ | ۰/۰۰۰۰ | معنادار |
| LEV | β_3 | -۰/۰۰۵۲۵۸ | ۰/۰۰۴۴۱۱ | -۱/۱۹۱۹۹۲ | ۰/۲۳۳۶ | عدم معناداری |
| CASH | β_4 | -۰/۰۲۱۸۷۷ | ۰/۰۱۸۰۷۸ | -۱/۲۱۰۱۳۵ | ۰/۲۲۶۶ | عدم معناداری |
| آماره دوربین واتسون | | ۱/۸۳۸۳۱۱ | | آماره فیشر | | |
| ضریب تعیین تعدیل شده | | ۰/۹۲۷۹۳۹ | | احتمال آماره فیشر | | |
| | | | | ۰/۰۰۰۰۰۰ | | |

با توجه به نتایج حاصل از تخمین مدل رگرسیونی فرضیه اول پژوهش به شرح جدول ۳، مشاهده می‌شود که مقدار آماره فیشر برابر با ۷۶۸۰ و سطح معناداری آن برابر ۰.۰۰۰ می‌باشد که بیانگر معنی دار بودن کل رگرسیون است و حاکی از آن است که مدل در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار می‌باشد. ضریب تعیین تعدیل شده برابر ۰.۹۲۷ بوده و بیانگر این مطلب است که تقریباً ۹۳٪ از تغییرات متغیر وابسته با متغیرهای مستقل مدل قابل تبیین است. همچنین آماره دوربین-واتسون ۱.۸۳ می‌باشد که این مقدار بین ۱.۵ تا ۲.۵ است و نشان دهنده عدم خود همبستگی مرتبه اول بین جملات باقیمانده مدل می‌باشد. همانگونه که در جدول ۴ ملاحظه می‌شود، ضرایب مربوط به متغیر ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی مثبت و سطح معناداری آن کوچکتر از ۰.۰۵ می‌باشد. با توجه به آماره t و P -Value مربوط به این متغیرها، نتایج بیانگر این می‌باشد که ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی بر اجتناب مالیاتی تأثیر مثبت و معناداری دارد؛ بنابراین فرضیه اول پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید می‌شود. در پژوهش‌های مشابه، تیلور و همکاران (۲۰۱۹)، خورانا و همکاران (۲۰۱۸) به وجود رابطه معنادار و مثبت و میناب و متین فرد (۱۳۹۷) به وجود رابطه معنادار و منفی میان اجتناب مالیاتی با سطح سرمایه‌گذاری و ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی دست یافتند.

نتایج آزمون والد جهت آزمون صفر بودن ضرایب حاصل از برآورد مدل رگرسیونی فرضیه اول به شرح جدول ۴ می‌باشد.

جدول ۴: نتایج آزمون والد

| آماره F | احتمال | نتیجه |
|----------|--------|-----------------|
| ۸۸۹/۹۰۶۴ | ۰/۰۰۰۰ | صفر نبودن ضرایب |

نتایج آزمون والد طبق جدول ۴ حاکی از اعتبار و معنادار بودن کلیه ضرایب برآوردی مدل فرضیه اول است و لذا فرضیه صفر آزمون والد مبنی بر صفر بودن تمام ضرایب مدل در سطح معناداری ۰.۰۵ رد می‌شود.

۷.۲.۱.۲. آزمون فرضیه دوم پژوهش

فرضیه دوم: بیش سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی بر اجتناب مالیاتی تأثیر معناداری دارد.

جدول ۵: نتایج آزمون فرضیه شماره ۲

| متغیر وابسته: اجتناب مالیاتی | | | | | | |
|------------------------------|-----------|-----------|------------------|-------------------|---------|--------------|
| متغیر | نماد ضریب | ضریب | انحراف استاندارد | آماره t | p-value | نتیجه |
| C | β_0 | ۰/۱۰۸۹۹۵ | ۰/۰۰۳۱۲۵ | ۳۴/۸۷۷۹۷ | ۰/۰۰۰۰ | معنادار |
| OANH | β_1 | -۰/۰۰۰۴۴۰ | ۰/۰۰۱۰۸۰ | -۰/۴۰۷۱۵۰ | ۰/۶۸۴۰ | عدم معناداری |
| D(SIZE) | β_2 | -۰/۰۰۹۳۳۲ | ۰/۰۰۲۰۸۷ | -۴/۴۷۲۳۵۲ | ۰/۰۰۰۰ | معنادار |
| LEV | β_3 | -۰/۰۰۵۹۱۷ | ۰/۰۰۴۹۲۷ | -۱/۲۰۰۹۲۹ | ۰/۲۳۰۱ | عدم معناداری |
| CASH | β_4 | -۰/۰۲۵۷۵۵ | ۰/۰۱۸۹۱۹ | -۱/۳۶۱۲۹۰ | ۰/۱۷۳۸ | عدم معناداری |
| آماره دوربین واتسون | | ۱/۸۳۵۳۳۸ | | آماره فیشر | | ۶۷/۸۷۳۸۳ |
| ضریب تعیین تعدیل شده | | ۰/۹۱۹۰۹۲ | | احتمال آماره فیشر | | ۰/۰۰۰ |

با توجه به نتایج حاصل از تخمین مدل رگرسیونی فرضیه دوم پژوهش به شرح جدول ۵، مشاهده می‌شود که مقدار آماره فیشر برابر با ۶۷.۸۷ و سطح معناداری آن برابر ۰.۰۰۰۰ می‌باشد که بیانگر معنی دار بودن کل رگرسیون است و حاکی از آن است که مدل در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار می‌باشد. ضریب تعیین تعدیل شده برابر ۰.۹۱۹ بوده و بیانگر این مطلب

است که تقریباً ۹۲٪ از تغییرات متغیر وابسته با متغیرهای مستقل مدل قابل تبیین است. همچنین آماره دوربین- واتسون ۱.۸۳ می باشد که این مقدار بین ۱.۵ تا ۲.۵ است و نشان دهنده عدم خود همبستگی مرتبه اول بین جملات باقیمانده مدل می باشد. همانگونه که در جدول ۶ ملاحظه می شود، ضرایب مربوط به متغیر بیش سرمایه گذاری در نیروی انسانی منفی و سطح معناداری آن بزرگتر از ۰.۰۵ می باشد. با توجه به آماره t و P -Value مربوط به این متغیرها، نتایج بیانگر این می باشد که بیش سرمایه گذاری در نیروی انسانی بر اجتناب مالیاتی تأثیر معناداری ندارد؛ بنابراین فرضیه دوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید نمی شود. مشابه این نتیجه در پژوهش های بیلینگ و روی (۲۰۱۸) نیز مشاهده می شود.

نتایج آزمون والد جهت آزمون صفر بودن ضرایب حاصل از برآورد مدل رگرسیونی فرضیه دوم به شرح جدول ۶ می باشد.

جدول ۶: نتایج آزمون والد

| آماره F | احتمال | نتیجه |
|----------|--------|----------------|
| ۸۴۷۴/۷۶۷ | ۰/۰۰۰۰ | صفر بودن ضرایب |

نتایج آزمون والد طبق جدول ۶ حاکی از اعتبار و معنادار بودن کلیه ضرایب برآوردی مدل فرضیه دوم است و لذا فرضیه صفر آزمون والد مبنی بر صفر بودن تمام ضرایب مدل در سطح معناداری ۵ درصد رد می شود.

۷.۲.۱.۳. آزمون فرضیه سوم پژوهش

فرضیه سوم: کم سرمایه گذاری در نیروی انسانی بر اجتناب مالیاتی تأثیر معناداری دارد.

جدول ۷: نتایج آزمون فرضیه شماره ۳

| متغیر وابسته: اجتناب مالیاتی | | | | | | |
|------------------------------|-----------|-----------|------------------|-------------------|---------|--------------|
| متغیر | نماد ضریب | ضریب | انحراف استاندارد | آماره t | p-value | نتیجه |
| C | β_0 | ۰/۱۵۳۶۸۹ | ۰/۰۲۶۴۷۶ | ۵/۸۰۴۹۴۵ | ۰/۰۰۰۰ | معنادار |
| UANH | β_1 | ۰/۰۰۴۳۲۸ | ۰/۰۰۲۰۳۱ | ۲/۱۳۱۵۰۰ | ۰/۰۳۳۳ | معنادار |
| D(SIZE) | β_2 | -۰/۰۰۳۲۴۸ | ۰/۰۰۱۸۸۶ | -۱/۷۲۲۰۱۶ | ۰/۰۸۵۴ | عدم معناداری |
| LEV | β_3 | -۰/۰۰۹۳۸۳ | ۰/۰۰۷۶۲۴ | -۱/۲۳۰۶۱۵ | ۰/۲۱۸۸ | عدم معناداری |
| CASH | β_4 | -۰/۰۲۶۷۰۱ | ۰/۰۲۴۴۷۴ | -۱/۰۹۱۰۱۳ | ۰/۲۷۵۵ | عدم معناداری |
| آماره دوربین واتسون | | ۱/۷۰۶۵۹۱ | | آماره فیشر | | ۶۱/۲۰۱۷۹ |
| ضریب تعیین تعدیل شده | | ۰/۸۹۷۵۸۵ | | احتمال آماره فیشر | | ۰/۰۰۰۰ |

با توجه به نتایج حاصل از تخمین مدل رگرسیونی فرضیه سوم پژوهش به شرح جدول ۷، مشاهده می شود که مقدار آماره فیشر برابر با ۶۱.۲ و سطح معناداری آن برابر ۰.۰۰۰ می باشد که بیانگر معنی دار بودن کل رگرسیون است و حاکی از آن است که مدل در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار می باشد. ضریب تعیین تعدیل شده برابر ۰.۸۹۷ بوده و بیانگر این مطلب است که تقریباً ۹۰٪ از تغییرات متغیر وابسته با متغیرهای مستقل مدل قابل تبیین است. همچنین آماره دوربین- واتسون ۱.۷۰ می باشد که این مقدار بین ۱.۵ تا ۲.۵ است و نشان دهنده عدم خود همبستگی مرتبه اول بین جملات باقیمانده مدل می باشد. همانگونه که در جدول ۷ ملاحظه می شود، ضرایب مربوط به متغیر کم سرمایه گذاری در نیروی انسانی مثبت و سطح معناداری آن کوچکتر از ۰.۰۵ می باشد. با توجه به آماره t و P -Value مربوط به این متغیرها، نتایج بیانگر این می باشد که کم سرمایه گذاری در نیروی انسانی بر اجتناب مالیاتی تأثیر مثبت و معناداری دارد؛ بنابراین فرضیه سوم پژوهش در

سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید می‌شود. در پژوهشی مشابه، فروغی و یونسی (۱۳۹۵) به این نتیجه دست یافتند که بین این متغیرها رابطه معناداری وجود ندارد.

نتایج آزمون والد جهت آزمون صفر بودن ضرایب حاصل از برآورد مدل رگرسیونی فرضیه سوم به شرح جدول ۸ می‌باشد.

جدول ۸: نتایج آزمون والد

| نتیجه | احتمال | آماره F |
|-----------------|--------|----------|
| صفر نبودن ضرایب | ۰/۰۰۰۰ | ۲۱۴۶/۵۱۵ |

نتایج آزمون والد طبق جدول ۸ حاکی از اعتبار و معنادار بودن کلیه ضرایب برآوردی مدل فرضیه سوم است و لذا فرضیه صفر آزمون والد مبنی بر صفر بودن تمام ضرایب مدلدلر سطح معناداری ۵ درصد رد می‌شود.

۸. بحث و نتیجه‌گیری

امروزه نقش نظام‌های مالیاتی در تأمین درآمدهای هر کشور از محل منابع مالیاتی بر کسی پوشیده نیست. مالیات و پرداخت آن در پیشبرد اهداف اجتماعی، اقتصادی و بودجه‌ای تأثیر بسزایی دارند. با این حال، اغلب مدیران، مالیات را از عمده‌ترین عوامل خروج وجه نقد و تهدیدی برای تداوم فعالیت شرکت قلمداد می‌کنند؛ چرا که به دولت به عنوان شریکی مینگرند که سهمی در شرکت ندارد و همواره درصدد یافتن راهی به منظور کاهش پرداخت مالیات می‌باشند. امروزه یکی از راه‌حل‌های مورد استفاده، فعالیت‌های اجتناب مالیاتی است. اجتناب مالیاتی بیانگر یک استراتژی مستمر و پایدار در زمینه برنامه‌ریزی مالی استراتژیک است و دربرگیرنده فعالیت‌های کاملاً قانونی است. به علاوه، نقش و اهمیت نیروی کار در فرآیند تولید و ارائه خدمات در جوامع بشری به عنوان مهم‌ترین عامل مشخص شده است. با نگاهی به مراحل تمدن بشری مشخص می‌شود که نقش نیروی انسانی از نیروی کار ساده به سرمایه‌انسانی تکامل یافته است، چرا که پیشرفت تکنولوژی بدون تحولات نیروی کار، فاقد کارایی است. در عصر حاضر دیگر تزریق منابع مالی به عنوان فاکتور اصلی توسعه و سرمایه‌گذاری به شمار نمی‌آید بلکه تحولات و کارایی نیروی کار به رشد خود سبب ارتقای سازمان‌ها، جذب سرمایه‌گذاری‌های جدید و در نهایت توسعه نظام اقتصادی در جهان می‌شوند، به طوریکه کارایی سرمایه‌های انسانی میزان کارایی سرمایه‌های مادی را تعیین می‌کنند. هدف اصلی در این پژوهش بررسی اثر ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان می‌دهد که ناکارایی سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی بر اجتناب مالیاتی تأثیر مثبت و معناداری دارد. همچنین، تأثیر مثبت و معنادار، کم سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی بر اجتناب مالیاتی نیز تأیید شده است. می‌توان از نتایج پژوهش استنباط کرد که سرمایه‌گذاری بیش از اندازه در نیروی انسانی می‌تواند باعث افزایش هزینه‌های حقوق و دستمزد و کاهش جریان‌های نقدی عملیاتی شده و این انگیزه را برای مدیران ایجاد نماید که از طریق اقدامات اجتناب مالیاتی درصدد بهبود جریان نقدی عملیاتی و حفظ تداوم فعالیت شرکت برآیند. همچنین کم سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی نیز باعث کاهش بهره‌وری و سودآوری شرکت شده به گونه‌ای که شرکت‌ها نتوانند نیازهای فعلی خود را تأمین کنند (پرداخت دستمزدها، بهره‌ها و مالیات‌ها) و انگیزه‌های برای مدیران شرکت جهت افزایش نقدینگی از طریق اجتناب مالیاتی باشد که می‌تواند منجر به افزایش ریسک مالیاتی شرکت شود. با توجه به نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل مدل آماری و آزمون فرضیه‌های پژوهش

که نشان دهنده تأثیر مثبت ناکارایی و کم سرمایه گذاری در نیروی انسانی بر اجتناب مالیاتی می باشد، پیشنهادهای کاربردی به شرح زیر ارائه می گردد:

- ✓ به مدیران و ارکان راهبری شرکتی پیشنهاد می شود، از طریق برنامه ریزی و مدیریت منابع انسانی، میزان استخدام و تعدیل نیروی انسانی و سرمایه گذاری در نیروی انسانی بهینه شرکت را با توجه به حجم تولید و فروش تعیین نموده و از افزایش ریسک مالیاتی شرکت در اثر اقدامات اجتناب مالیاتی جلوگیری کند.
- ✓ به سرمایه گذاران و تحلیل گران پیشنهاد می شود، در مدل های ارزشیابی قیمت سهام و پیش بینی جریان های نقدی آتی شرکت ها به ریسک اجتناب مالیاتی به دلیل جریمه های مالیاتی احتمالی آتی نیز توجه نمایند.
- ✓ به حسابرسان مستقل و بازرسان قانونی شرکت ها پیشنهاد می شود، در رسیدگی های خود به تغییرات سرمایه گذاری در نیروی انسانی به عنوان نشانه هایی از احتمال اجتناب مالیاتی توجه نموده و اثرات احتمالی آن را در اظهارنظرهای خود لحاظ نمایند.
- ✓ به نهادهای ناظر بازار سرمایه و نهادهای تدوین کننده استانداردهای حسابداری پیشنهاد می شود، جهت ارزیابی ریسک های عملیاتی و مالی ناشی از سرمایه گذاری های ناکارا در نیروی انسانی، افشای اطلاعات مالی و غیرمالی بیشتر در خصوص نیروی انسانی توسط شرکت ها را در صورت های مالی و یا گزارش های جداگانه الزامی نمایند.

منابع و مآخذ

- اعتمادی، حسین؛ سپاسی، سحر؛ و ساری، محمد علی (۱۳۹۶). ارزیابی ریسک سیاست های کمیته سازی مالیات شرکت ها، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات تجربی حسابداری مالی، (۱۴): ۱۷-۱.
- افلاطونی، عباس و خزایی، مهدی (۱۳۹۵). بررسی تأثیر کیفیت اقلام تعهدی و کیفیت افشا بر ناکارایی سرمایه گذاری در نیروی انسانی، بررسی حسابداری و حسابرسی، (۲۳): ۲۶۹-۲۸۸.
- بادآورنهدی، یونس، و تقی زاده، خانقاه (۱۳۹۷). ارتباط بین مدیریت سرمایه در گردش و ناکارایی سرمایه گذاری. مدیریت دارایی و تأمین مالی. (۳): ۳۸-۱۷.
- حجازی، رضوان؛ کلهرنیا، حمید؛ داداشی، ایمان و فیروزنیا، امیر (۱۳۹۷). بررسی اثر محتوای اطلاعاتی قیمت سهام بر کارایی سرمایه گذاری نیروی کار. فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری. ۳ (۵): ۲۳۲-۲۰۹.
- حساس یگانه، یحیی و باغومیان، رافیک (۱۳۹۵). نقش هیئت مدیره در حاکمیت شرکتی. ماهنامه حسابداری، سال بیستم، (۶): ۳۰-۳۳.
- حسینی، محمد و میثمی، مریم (۱۳۹۸). آزمون اثر سررسید بدهی و کیفیت گزارشگری مالی بر کم سرمایه گذاری و بیش سرمایه گذاری، دانش مالی تحلیل اوراق بهادار (مطالعات مالی)، شماره ۴۱، صص ۱-۱۴.
- حسینی، سید عبدالله (۱۳۹۸). بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی، توان مدیریت و کارایی سرمایه گذاری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی سبزوار.
- خاکی، غلامرضا (۱۳۷۶). مدیریت بهره وری، تهران: کوهسار.

دادبه، فاطمه و ابوالحسنی، حسن (۱۳۹۵). اثر فرصت‌های سرمایه‌گذاری بر اجتناب از پرداخت مالیات در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. مؤسسه‌های آموزش عالی غیردولتی-غیرانتفاعی، مؤسسه آموزش عالی بصیر، آبیگ.

رحیمی، علیرضا و عارف فروغی (۱۳۹۹) بررسی تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر کارایی سرمایه‌گذاری، دانش حسابداری سال یازدهم تابستان ۱۳۹۹ شماره ۴۱. صص ۲۳۹-۲۶۴.

سلیمانی امیری، غلامرضا و فرشی، زهرا (۱۳۹۱). بررسی تأثیر تأمین مالی از بانک‌ها و اهداف مالیاتی بر رابطه کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابداری، سال ۳، شماره ۱۱.

صفری گرایی، مهدی و پودینه، شیوا (۱۳۹۵). اجتناب مالیاتی و به موقع بودن اعلان سود، آزمون تجربی از بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش نامه مالیات، (۳۱): ۱۱۸-۱۰۱.

عباسی، ابراهیم و ابراهیم زاده رحیم لو، بهروز (۱۳۸۸). بررسی عوامل موثر بر سطح سرمایه‌گذاری شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران، مدلسازی اقتصادی آزاد، ش ۴.

علمی، حسام و محمدزاده سالطه، حیدر (۱۳۹۹). تأثیر اجتناب مالیاتی بر جسندگی هزینه با تأکید بر استراتژی تجاری شرکت، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، (۴۵): ۱۳۲-۱۱۳.

فروغی، داریوش و یونسی، مریم (۱۳۹۵). بررسی تأثیر سررسید بدهی بر ناکارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، سومین کنفرانس ملی حسابداری و مدیریت، تهران، مؤسسه اطلاع‌رسانی نارکیش.

قائمی، محمدحسین و وطن پرست، محمدرضا (۱۳۸۴). بررسی نقش اطلاعات حسابداری در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۲(۱۴): ۱۰۳-۸۵.

مدرس، احمد و رضا حصارزاده (۱۳۷۸). کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه‌گذاری. فصلنامه بورس و اوراق بهادار، ۱(۲): ۱۱۶-۸۵.

میناب، مریم و متین فرد، مهران (۱۳۹۷). بررسی رابطه میان اجتناب مالیاتی و ناکارایی سرمایه‌گذاری. پژوهش‌های نوین در حسابداری و حسابرسی. ۱۲(۱): ۱۷۹-۱۵۶.

Alstadsætera, A; Johannesenb, N; Guern, S; & Herry, G. (2022) Tax evasion and tax avoidance. *Journal of Public Economics*, Volume 206.

<https://doi.org/10.1016/j.jpubeco.2021.104587>.

Bailing, J., Rui, J. (2018). The impact of tax avoidance on enterprise investment efficiency. *Journal of Discrete Mathematical Sciences and Cryptography*, 21(6), 1293-1298.

Biddle, G. C. G. Hilary, R. S. Verdi. (2009). How does financial reporting quality relate to investment efficiency? *Journal of Accounting and Economics* 48 (2):112-131.

Cameron, K. S. 1994. Strategies for successful organizational downsizing. *Human Resource Management*, 33(2): 189-211.

Cameron, K. S. Freeman, S. J. Mishra, A. K. (1991). Best practices in white collar downsizing: Managing Contradictions. *Academy of Management Executive*, (5): 57-73.

Chen, F; Hope, O.K; Li, Q; and Xin, W. (2011). Financial Reporting Quality and Investment Efficiency of Private Firms in Emerging Markets, *The Accounting Review*, Vol. 86, No. 4, 1255-1288.

- Chiarini, B; Ferrara, M; & Elisabetta, M. (2022) Tax evasion and financial accelerator: A corporate sector analysis for the US business cycle, *Economic Modelling*, Volume 108, March 2022, 105780. <https://doi.org/10.1016/j.econmod.2022.105780>.
- Chyz, James A. Winnie Siu Ching Leung, Oliver Zhen Li, and Oliver Meng Rui. (2013). Labor Unions and Tax Aggressiveness, *Journal of Financial Economics*, (108): 675-698.
- Demerjian, P. Lev, B. & McVay, S. (2012). Quantifying managerial ability: A new measure and validity tests. *Management Science*, 58(7): 1229–1248.
- Desai, M. A. & Dharmapala, D. (2009). Corporate tax avoidance and high-powered incentives. *Journal of Financial Economics*, (790): 145–179.
- Desai, H; Hogan, C; Wilkins, M. (2007). The reputational penalty for aggressive accounting: earnings restatements and managerial turnover”, *Accounting Review*, 81(1): 83–112
- Dyreg, S. Hanlon, M. Maydew, E. (2010). The effects of executives on corporate tax avoidance. *The Accounting Review*, 85(4): 1163–1189.
- Favara Giovanni, Erwan Morellec, Enrique Schroth, Philip Valta. (2019). Debt enforcement, investment, and risk taking across countries. *Journal of Financial Economics*, 125 (2016) 1–20.
- Habib, A. (2014). Managerial Ability, Investment Efficiency and Stock Price Crash Risk. Working paper, Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=2517905>.
- Hanlon, M. Heitzman, S. (2010). A review of tax research. *Journal of Accounting and Economics*, (50): 127-178.
- Jensen, M. Meckling, W. (1976). Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs, and ownership structure. *Journal of Financial Economics*, 3(4): 305–360
- Joulfaian, David. (2000). Corporate Tax Evasion and Managerial Preferences, *The Review of Economics and Statistics*, (82): 698-701.
- Jung, B. Lee, W. Weber, D. P. (2014). Financial reporting quality and labor investment efficiency. *Contemporary Accounting Research*, 31(4): 1047–1076.
- Khurana, I.K; Moser, W.J; Raman, K.K. (2018). Tax avoidance, managerial ability, and investment efficiency. 54(4), 547-575.
- Marjit, S; Mishra, S; Sandip, M. (2021) Tax evasion by tax deferment: Sham litigation with an informal credit market. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*. Vol: 43. <https://doi.org/10.1016/j.intaccudtax.2021.100380>.
- Ozkan, A; Neslihan, Ozkan. (2004). Corporate Cash Holdings: An Empirical Investigation of UK Companies. *Journal of Banking and Finance*, 28, 2103–2134.
- Pinnuck, M. Lillis, A. (2007). Profits versus losses: Does reporting an accounting loss act as a heuristic trigger to exercise the abandonment option and divest employees? *The Accounting Review*, 35(820): 1031–1053.
- Richardson, S. (2006) Over-investment of free cash flow. *Review of Accounting Studies*, 11(2–3): 159–189.
- Taylor, G. Al-Hadi, A. Richardson, G. Alfarhan, U. Al-Yahyaee, K. (2019). Is there a relation between labor investment inefficiency and corporate tax avoidance? *Economic Modelling*.
- Verdi, R.S. (2006). Financial Reporting Quality and Investment Efficiency, Working Paper, Sloan School of Management, MIT. *Accounting Research*, 50(3): 775–810.

Study of the effect of investment inefficiency on human resources on tax avoidance

Saman Mohammadi ^{*1}
Mohammad Mohammadi ²
Mozaffar Bahrami ³

Date of Receipt: 2022/02/26 Date of Issue: 2022/03/27

Abstract

Purpose: Today, the role of tax systems in securing the income of any country from tax sources is not hidden from anyone. However, most managers consider taxes to be one of the main factors in cash outflows and a threat to the company's continued operation and always trying to find a way to reduce taxes. One of the solutions used is tax avoidance activities. Also, looking at the stages of human civilization, it is clear that the role of manpower has evolved from simple labor to human capital, because technological progress is inefficient without labor changes. In the present age, the efficiency of the labor force increases the growth of organizations, attracts new investments and finally the development of the world economic system. The main purpose of this study is to investigate the effect of investment inefficiency in human resources on corporate tax avoidance. **Research methodology:** This research is applied in terms of purpose and in terms of time is one of the retrospective researches. Due to the use of quantitative data, it is a type of quantitative research. This research is inductive because it reaches a general conclusion through analysis and inference from observations. In terms of data collection, it is a descriptive correlation. According to the purpose of the study, three hypotheses were developed that were tested through three multiple linear regression models. To test the hypotheses, a sample of 165 companies was selected from among the companies listed on the Tehran Stock Exchange in a 7-year period from 2014 to 2020 by systematic elimination method. **Findings:** The results of testing the research hypotheses show that the inefficiency of investment in human resources has a positive and significant effect on tax avoidance. The positive and significant effect of low investment in human resources on tax avoidance has also been confirmed. **Conclusion:** It can be inferred from the research results that excessive investment in manpower can increase payroll costs and reduce operating cash flows and motivate managers to improve cash flow through tax avoidance measures. Operate and maintain the continuity of the company's activities. Also, Low investment in manpower has reduced the company's productivity and profitability so that companies can not meet their current needs (payment of wages, interest and taxes) and incentives for company managers to increase liquidity. It is through tax avoidance that can lead to increased corporate tax risk.

Keywords

Inefficiency of manpower investment, over-investment in manpower, under-investment in manpower, tax avoidance.

1. Assistant Professor of Accounting, Faculty of Social Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran. (Responsible author: s.mohammadi@razi.ac.ir)
2. Assistant Professor of Accounting, Parandak Non-Profit University, Tehran, Iran. (mkz.mohamadi@mau.ac.ir)
3. Master of Accounting, Accountant of the General Department of Economic Affairs and Finance, Kermanshah, Iran. (mozafar1400@yahoo.com)